

بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ





نظارت و اشراف: محمد جواد استادی

مدیر اجرایی و ویراستار: سمانه نیک روش

طراحی و گرافیک: هادی مهري

نویسندگان: محمد جواد استادی، زهرا جعفری، سمانه نیک روش

لیلا پارسافر، شادی غفوریان، نگار تشکری، نسرين ياقوتی

نجمه پارسائیان، هادی پورحسین، علی قاسمیان

همکاران: نسرين جليليان جمع، محمد حسين اخوان طاهري، حنايه مستوفی

بیژن منوچهریان، سید محسن شرافت، اعظم بقایی، مهدی شریفی

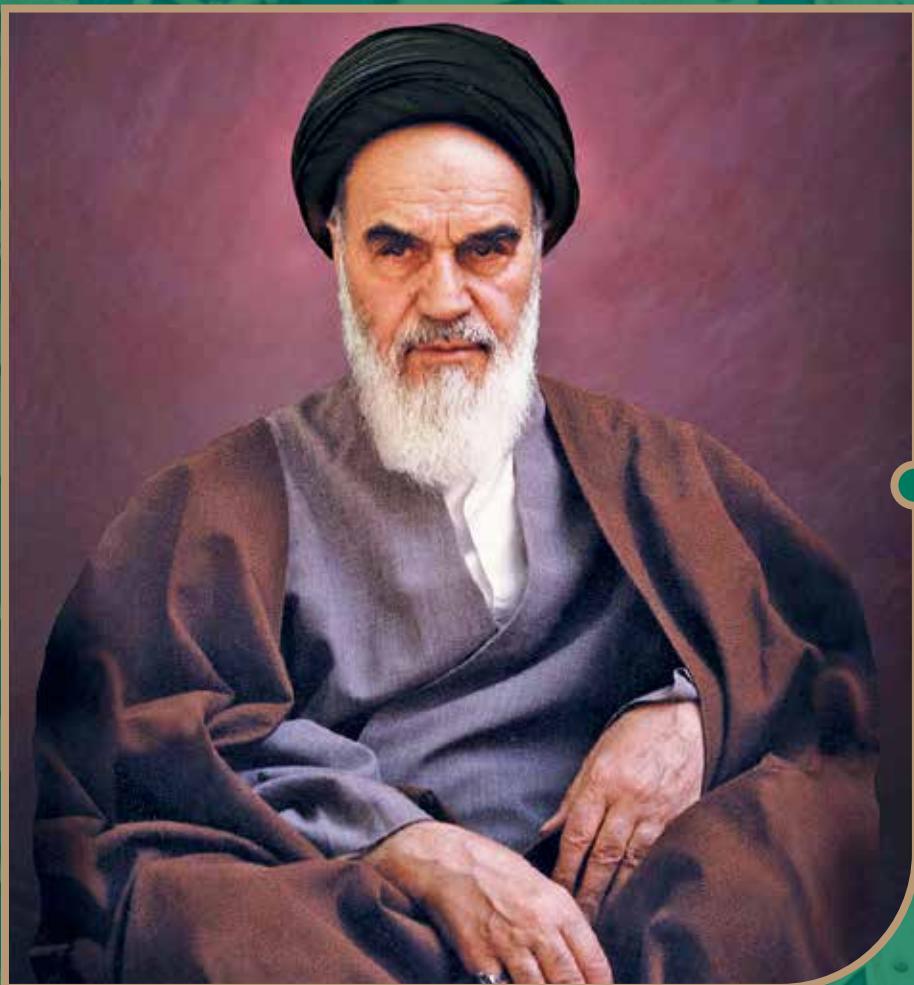
تصویرگران: جلیل صابری، مصطفی شفيعی کدکنی

لیتوگرافی و چاپ: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

با سپاس از: دکتر عبد الحمید طالبی

بہارِ تذکر

بہار
۱۴۰۴



امام خمینی (رحمت الله علیه)

ما باید کتابمان قرآن باشد. معنایش نه این است که فقط بگوییم کتاب ما قرآن است، بلکه باید با او حرکت‌های معنوی بکنیم، به تربیت انسانی برسیم، با او اجتماع خودمان را اصلاح کنیم، با او همه جهات مادی و معنوی اش را طی کند. او قرآن است که کتاب ماست. این کتابی است که باید بخوانیم و بفهمیم و عمل کنیم.

(بیانات در جمع بانوان «مجمع القرآن»، ۱۶ آبان ۱۳۵۸)



مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

ماه رمضان ماه قرآن است و حقاً میتوان در این ماه از هدایت قرآنی بهره برد. قرآن را بخوانیم، زیاد بخوانیم، با دقت بخوانیم، با تدبیر بخوانیم، با توجه به خدای متعال بخوانیم، از خود خدای متعال در تلاوت قرآن طلب کمک کنیم و بدانیم که دل با قرآن جلا پیدا می‌کند.

(بیانات در محفل انس با قرآن کریم؛ ۲۵ فروردین ۱۴۰۰)



اینفوگرافی ۸

با تو آغاز می‌شویم ۱۱

سلام ۱۴

آغاز در آستان نور ۱۶

با شما سربلندیم ۲۰

بهار رضا (ع) ۲۲

آینه‌ای در دست آفتاب ۲۷

چاووش ۲۸

رضوان وحی ۳۰

امام رضا (ع)، آینه‌ی وحی ۳۴

تجلی قرآن در عمل ۳۸

امام وحی گستر ۴۰

غریبِ قریب ۴۴

چون بهار، چون رمضان، چون رضا ۴۹

تکریم ۵۰

تحویل سال، تحویل دل ۵۲

بهاردل، بهارجان ۵۶

بهاردر بهار ۶۱

آرام جانم ۷۰

برای همیشه... ۷۵

منقبت ۷۶

امام و علم اندوزی ۷۸

امام و کرامت انسانی ۸۰

امام و سیاست ورزی ۸۶

امام و گفت و گو ۸۸

دریای احسان ۹۰

از دیروز تا امروز ۹۵

مددخوانی ۹۶

زینت ایمان ۹۸

زروزهد ۱۰۰

از طوس تا جهان ۱۰۶

زبان دل، آیین مهر ۱۱۰

طاق و عیاق ۱۱۴

شمس مقاومت ۱۱۹

مرثیه ۱۲۰

نور و نهضت ۱۲۲

ضریح مقاومت ۱۲۶

خادم الرضای حقیقی ۱۲۸

امام مهربانی ۱۳۲

نقش ها به نام تو ۱۳۷

مکتب خورشید ۱۳۸

جلوه قلم در بارگاه نور ۱۴۰

نقش عشق ۱۴۲

انعکاس خورشید ۱۴۴

نقش ارادت ۱۴۶

احسن الحال ۱۴۸

نغمه هایی از نور در شب قدر ۱۵۰

صدای طلوع رنگین کمان (داستان مصور) ۱۵۴

دعا ... ۱۶۶



۰۱

لزوم و بایستگی اهمیت شناخت ائمه (ع) و نقش شیعیان در معرفی آنان

برخی از ائمه مانند امام علی (ع) و امام حسین (ع) شناخته شده‌اند، اما بیشتر ائمه (ع) ناشناخته باقی مانده‌اند

۰۲

سه بُعد مهم در زندگی ائمه (ع)

الف) بُعد معنوی و الهی

قداست، معصومیت، ارتباط با خدا و فرشتگان
لزوم بیان علمی و مستند این جنبه برای پرهیز از افراط و ضعف علمی

ب) بُعد علمی و کلامی

آموزه‌های اخلاقی، دینی، اجتماعی و سبک زندگی
موضوعاتی مانند رعایت حقوق حیوانات و تعامل با غیرمسلمانان
نیاز به ارائه این معارف به زبان امروزی و در قالب‌های مناسب

ج) بُعد سیاسی و حکومتی

کوشش ائمه (ع) برای تشکیل حکومت اسلامی
نقش امامان در سیاست و هدف آن‌ها برای ایجاد جامعه‌ای اسلامی
نمونه‌ای از امام حسن مجتبی (ع)، امام صادق (ع) و امام رضا (ع) در این مسیر



۰۳

نقش امام رضا (ع) در این مسیر

♦ پذیرش ولایتعهدی به عنوان یک نبرد سیاسی با مأمون

♦ خنثی کردن نقشه‌های مأمون و شکست سیاسی او

♦ نقش ایشان در تثبیت حقانیت ائمه (ع)

۰۴

برونداد

♦ ضرورت معرفی معارف اهل بیت (ع) به زبان روز

♦ مسئولیت شیعیان در ارائه این آموزه‌ها به مخاطبان جهانی

بابت آخر میں

...





سلام...

اللهِ هِي، اللهُ هِي، اللهُ هِي، اللهُ هِي، اللهُ هُو

سلامٌ على آلِ طه وياسين

سلامٌ على آلِ خيرِ النبيين

يا الله، اللهُ هُو، اللهُ هُو، اللهُ هُو

امامی به حق، شاه مطلق که آمد

حريم دَرش قبله گاه سلاطين

يا الله، اللهُ هُو، اللهُ هُو، اللهُ هُو، يا الله

على ابن موسى الرضا كز خدايش

رضا شد لقب، چون رضا بودش آيين

پی عطررو بندِ حورانِ جنت

غبار ديارش به گيسوى مشكين

اللهِ هِي، اللهُ هِي، اللهُ هِي، اللهُ هِي، اللهُ هُو

اگر خواهی آری به کف، دامن او

برو دامن از هر چه جزاوست دَرچين

يا الله، اللهُ هُو، اللهُ هُو، اللهُ جان

چو جامی چشد لذتِ تيغِ مهرش

چه غم، گرمخالف گشد خنجرکين

يا الله، اللهُ هُو، اللهُ هُو، اللهُ جان

اللهِ هِي، اللهُ هِي، اللهُ هِي، اللهُ هِي، اللهُ هُو



خراسان رضوی، تربت جام، اجرا: عبدالعزيز احمدی،

آواز دشتی (گوشه درآمد) و آواز ابوعطا (گوشه درآمد)





آغاز در آستان نور

شب قدر است و واپسین شب سال. در این ساعت مقدس، صحن و سرای حرم مطهر رضوی (ع) غرق در سکوتی معنوی است؛ سکوتی آمیخته با زمزمه دعا، نجوای دل‌های عاشق و آوای بیم و امید. نسیم بهاری از گنبد و گلدسته‌ها می‌وزد و عطر گل‌های تازه رواق‌ها را با خود به همراه می‌آورد. در این بارگاه نورانی، زائران در کنار ضریح مطهر، با قرآن و سجاده‌ای گسترده، دل به دریای رحمت الهی سپرده‌اند.

در چنین شبی، زمان در آستانه نوشدن ایستاده است؛ لحظه‌ای ناب که سال کهنه با همه خاطرات تلخ و شیرینش پایان می‌یابد و سال نو در این حریم قدسی، زاده می‌شود. هم‌زمان، لوح تقدیر تونیز در این صحن آسمانی، زیر سایه بارگاه امام رضا (ع)، گشوده

شده تا با اشک‌های زلال و نجوای از سر نیازت در محضر حضرتش رقم بخورد. این تقارن فرخنده، دعوتی است از جانب این آستان رفیع برای تحول و خودسازی. گویی دست مهربان امام (ع) بر شانه‌ات نهشته تا در این شب قدر، در آینه دل به خود بنگری؛ بینی در سالی که گذشت چگونه زیسته‌ای و در پرتو این حرم نور چگونه می‌توانی دوباره متولد شوی.

در سکوت روحانی این شب و در آستانه فجر نخستین روز بهار، در جوار این بارگاه مقدس، فرصتی است تا غبار از روح بزدایی؛ همچون خانه‌تکانی پیش از عید، دل را در این رواق‌های پاک از کینه‌ها و ناامیدی‌ها شست و شو دهی و با عشق و امید که از این حرم می‌جوشد، پذیرای طلوع فردا شوی.

می‌گویند شب قدر، شب نزول رحمت است؛ بارانی از نور و برکت که از گنبد طلایی بر جان‌های بیدار جاری می‌شود. بگذار این باران رحمت، کویر تشنه دلت را در این صحن و سرا سیراب کند. همچنین می‌گویند لحظه تحویل سال، دم تازه شدن زمین است و نوشدن زمان؛ در این آستان قدسی، نفسی عمیق بکش و خستگی‌های دیرین را به دست نسیم حرم بسپار.

وقتی دوبهار، یکی در طبیعت و دیگری در ایمان، در این حرم مطهر دست در دست هم از راه می‌رسند، دیگر چه بهانه‌ای برای در جازدن باقی می‌ماند؟ اکنون در این آستان رحمت، زمان برخاستن است؛ زمان آن که در پیشگاه امام رضا (ع) از خدا بخواهی و از خود بکوشی تا بهترین خویش را در این سال نو و سرنوشت تازه رقم بزنی.

امشب را در این حرم مقدس، قدر بدان؛ سپیده فردا، در سایه این بارگاه، سر آغاز فصلی نو در کتاب زندگی‌ات خواهد بود. فصلی که سطر به سطرش را با توبه، امید، عشق و اراده، در پناه حضرتش خواهی نوشت.



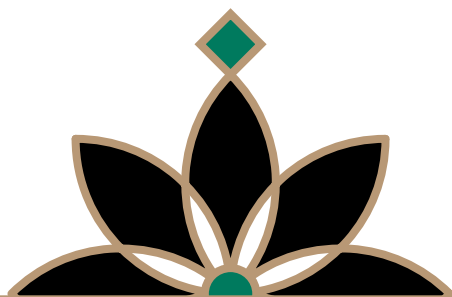


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله الذي جعل في كل شيء
دلالة على قدرته وجلاله

إمامنا محمد بن عبد الله

عليه السلام

الحمد لله



باشما
سربلندیم...



صبحی سرد بود، نسیمی آرام از میان پنجره نیمه‌باز به اتاق می‌وزید و صدای نقاره‌خانه حرم از دور در گوشم می‌پیچید. نشسته بودم کنار پنجره، با فنجانی چای که بخارش در هوا گم می‌شد و دفتری باز، پیش رویم. قلم در دستم می‌لرزید، نه از سرما که از بغضی که هر بار نامش را می‌نوشتم، سنگین‌تر می‌شد. «با شما سربلندیم»؛ این را زیر لب زمزمه کردم و ناگهان اشکی از گوشه چشمم چکید، روی کاغذ، درست کنار کلمه «شما»

یادم آمد آن روزی که پای پیاده، با دلی شکسته، خودم را به حرمش رسانده بودم. پاهایم تاول زده بود، ولی دلم انگار تازه جان گرفته بود. ضریحش را که دیدم، انگار همه رشته‌های پاره وجودم را به هم گره زد. آن لحظه بود که فهمیدم اوزمادار روحم شده، همان‌طور که گفته بود: «امامت، زمام دین است و نظام مسلمانان». با خودم فکر کردم، این عزت، این سربلندی که در سایه‌اش نفس می‌کشم، از کجا آمده؟ از همان نگاه مهربانش بود که جهانم را آباد کرد، از همان حضوری که اشک‌هایم را به مروارید محبت، بدل ساخت.

قلم را دوباره برداشتم. دستم دیگر نمی‌لرزید. نوشتم: «ای امام رضا (ع)، ای هشتمین خورشید آسمان ولایت، با تو سربلندیم. نه تنها من که همه دل‌های بی‌قراری که در پناه تو آرام گرفته‌اند. با تو و با یاد همه ائمه اطهار (ع)، ما جانی دوباره یافته‌ایم. این سربلندی، فریادی است از عمق وجودمان، از قلب‌هایی که با هر تپش، نام تو را می‌خوانند و در هر نفس، عطر تو را می‌جویند»

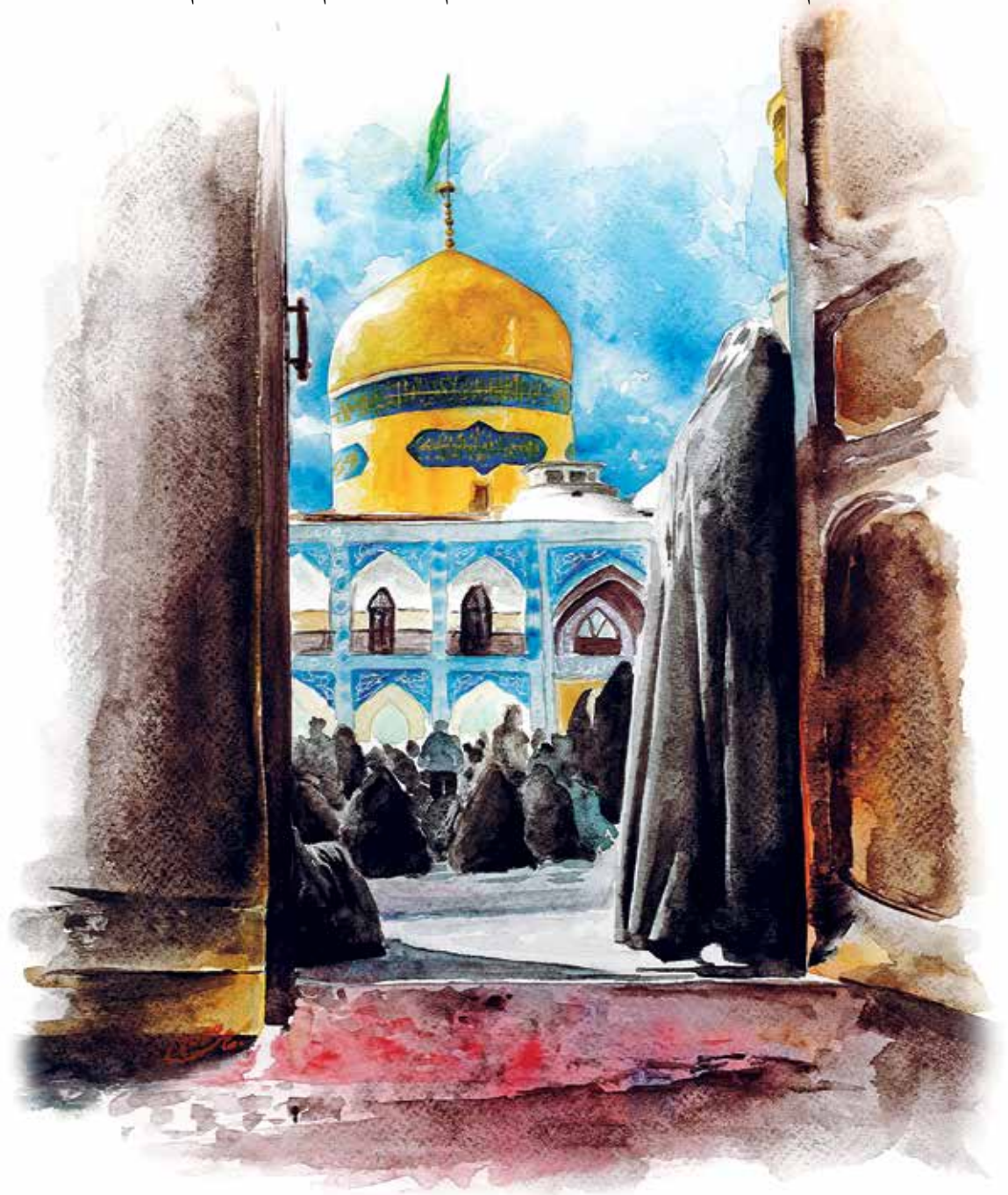
فنجان چای سرد شده بود، ولی دلم گرم‌تر از همیشه بود. از پنجره به گنبد طلایی نگاه کردم و زیر لب گفتم: «با شما سربلندیم» و این بار، اشک‌هایم نه از بغض که از شوق بود.

بهار رضا علیه السلام

ای پروردگار مهربان، ای که زمان را چون مادری دلسوز در آغوش گرفته‌ای و با نفست، جان خسته هستی را به نوشدن نوازش می‌دهی! در این دم پراز بغض و امید، در کنار این بارگاه که دلم را به تپش واداشته، ایستاده‌ام؛ جایی که خاکش اشک‌هایم را می‌فهمد و نسیمش گونه‌هایم را می‌بوسد. سال کهنه با باراندوهش از شانه‌هایم فرو می‌لغزد و بهار با دامن پراز شکوفه به سویم می‌شتابد. به تو پناه می‌آورم، ای آفریننده هر آغاز! در این سرای عشق، در جوار آن هشتمین شمع فروزان دل‌ها، علی بن موسی الرضا (ع) که گنبدش پناه بی‌پناهی‌ام شده و آرامگاهش مرهم زخم‌های ناپیدای سینه‌ام است، با چشمی ترو دلی شکسته نجوایم را به سویت می‌فرستم.

ای که با یک نگاهت، دل‌های یخ‌زده در آتش محبت آب می‌شوند و با یک لب‌خندت، شب‌های بی‌ستاره‌ام به صبح می‌رسند! در این آستان که هر نفسم بوی تو را می‌آورد و هر سرشک اشکم بر این سنگ‌فرش‌ها چون فریادی خاموش به سوی تو می‌شتابد، به پای آن امام رئوف می‌افتم؛ او که دستم را در این غربت گرفته و صدایم را در این تنهایی شنیده. حالم را، ای خدای من، از این دریای پراز تلاطم به کناره‌ای آرام دگرگون کن که جز در سایه این حرم و در پناه تو آرامشی نمی‌یابم. در این دم که قلبم با تپش این گنبد هم‌نوا شده و روحم در طواف این ضریح گم‌گشته، به سوز دلم و به اشک‌هایم که بر این پنجره‌ها می‌چکد، جانم را از این خاک سرد به گرمای آغوشت برسان. ای که هر چه دارم از تو ست و هر چه می‌جویم تویی! در این دم که دستانم به این شبکه‌های فولادین گره‌خورده و نگاهم در نور این بارگاه، غرق اشک و شوق است، به عزت این بخشنده غریب که هر شبِ دلتنگی‌ام را در این حرم به روز بدل کرده، سالی نوبه من بیخش؛ سالی که هر لحظه‌اش با یاد تو بگیرد، هر روزش در این کوی عشق بشکفتد و هر زخمم در این

آستان با نوازش دستان رأفت او شفا یابد. ای پروردگارم! این تحول را، در این نزدیکی که جز تو و
اونمی بینم، به احوالی چنان پراز عشق بدل کن که دلم جز در این حرم و در سایه تو آرام نگیرد.





عَلِيٌّ بْنُ أَبِي مَوْحٍ



سَيِّدُ الْاَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ

نوشادردی کمدی





چاووش

ای شه طوس که بر روی زمین، نور خدایی
روی بنمای که بی پرده خدا را بنمایی
نظری هم به گدایی چومن خاک نشین کن
ای که در پادشهی صاحبِ ایوانِ طلایی
کجا هوای شهنشاهی زمین دارم
که کفشداری سلطان هشتمین دارم
سِزده که فخر کنم بر شهان، به روز جزا
به کفشداری سلطان دین، امام رضا (ع)
ای غریبی که ز جد و پدر خویش جدایی
خفته در خاک خراسان، تو غریب الغریابی
اغنیا، مکه روند و فقرا سوی تو آیند
جان به قربان تو شاهاکه تو حج فقرایی
این خراسان بستر سیر و صفا است
منزل روشن دلان با صفا است
آنکه از وی چشم، روشن می شود
گنبد نورانی حضرت شاهِ رضا (ع) است
ای زائر روضهٔ خوش انوار رضا (ع)
بشنو سخنی ز قدر و مقدار رضا (ع)
از سوزن مرگان پِدر آرند مُلک
خاری که رود به پای زوار رضا (ع)
که خدا فرموده بر همه آیات
به صاحب حرم و گنبد رضا (ع) صلوات



بوشهر، اجرا: عبدالرضا اخلاقی، دستگاه چهارگاه (گوشه‌های درآمد و زایل)





رضوان وحی

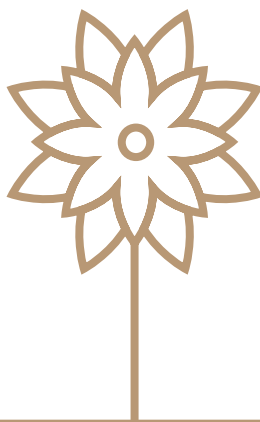
و این رضوان... قرآن ناطق است! کلامی زنده و جاوید که نه در حصار واژگان که در گستره وجودش متبلور گشته، چنان که خداوند در آیه ۵۲ سوره شوری، فرمود: «وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا؛ و این گونه روحی از امر خود بر تو وحی کردیم». او روح وحی است که در کالبد انسانی، آیات الهی را به تلاوت نشسته و با هرنفَسش، هستی را به سوی معرفت رهنمون می شود.

در بارگاهش، جایی که گنبد زرینش چون خورشیدی بر تارک زمین می درخشد، نسیم بهاری با نوای وحی درمی آمیزد و زائران، در طواف آن حریم قدسی، دل به سماع بی صدای آیاتش می سپارند.

او که در هر دم و بازدمش، جویبار رحمت و چشمه سار حکمت جاری ست، تجلی «نور علی نور؛ نوری بر فراز نور» است که در آیه ۳۵ سوره نور، به آن اشاره شده؛ نوری که زمین را به افلاک پیوند می زند و آسمان را بر خاک می گستراند. چشمانش، چون باران های بهشتی، دشت های تشنه دل را سیراب می بخشد، مصداق «وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُّبَارَكًا؛ و از آسمان آبی مبارک فرو فرستادیم» در سوره ق، آیه ۹، و کلامش، چونان جوانه های نور در بستر خاک، از دل ظلمات، راه به روشنایی می گشاید.

پروردگار در آیه ۱۰۳ سوره آل عمران، فرموده است: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا؛ و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید» و تو، آن ریسمان الهی هستی که دل ها را به وحدت و محبت پیوند می دهی.

در این موسم رویش و شکفتن، ما به آستان تو پناه جسته ایم تا در پرتو قرآن زنده ات، روحمان چون شاخساری نوبهار، از عطر معرفت لبریز گردد و قلبمان، در سایه آن کلام قدسی، به شکوفه های ابدی ایمان آراسته شود.



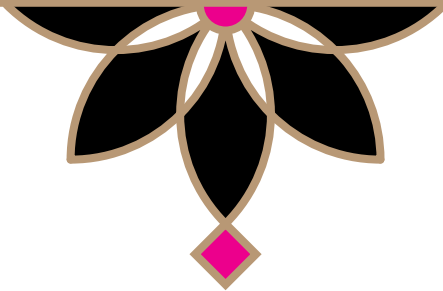


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





امام رضا
عليه السلام
آئینه وحی



امام رضا (ع) به عنوان هشتمین امام شیعیان، تجلی کامل قرآن ناطق است؛ یعنی قرآن را نه تنها در الفاظ، بلکه در رفتار، سخن و سیره خویش متجلی ساخت. این عنوان ریشه در اعتقاد عمیق به مقام والای امامان معصوم (ع) دارد که به عنوان جانشینان پیامبر اکرم (ص) و حاملان علوم الهی، نه تنها حافظان قرآن بلکه مفسران حقیقی و مجریان عملی آن هستند. این مفهوم بر اساس چند اصل استوار است:

۱. تجلی آیات الهی در وجودشان

استدلال قرآنی: در سوره شوری، آیه ۵۲ آمده است: «و این گونه روحی از امر خود بر تو وحی کردیم، تو نمی دانستی کتاب و ایمان چیست، ولی ما آن را نوری قرار دادیم که هر که از بندگانمان را بخواهیم با آن هدایت کنیم». مفسران شیعه معتقدند این "روح" و "نور" در وجود پیامبر (ص) و جانشینان معصومش، از جمله امام رضا (ع)، ادامه یافته است.

استدلال حدیثی: از امام رضا (ع) نقل شده است: «فنحن اهل الذکر الذین قال الله فی محکم کتابه: فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون؛ ما (امامان از خاندان پیامبر) اهل الذکر: اهل قرآن، هستیم، آنان که خداوند در کتاب استوارش درباره آنان فرموده است: از اهل ذکر: کتاب آسمانی، بپرسید اگر نمی دانید» و در ادامه می فرمایند: «ذکر، پیامبر خداست و ما اهل و خاندان او هستیم...» (عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۳۹).

این حدیث نشان می دهد که وجود امام، تجلی زنده قرآن است.

شاهد تاریخی: مناظرات امام رضا (ع) با علمای ادیان مختلف در دربار مأمون که در منابع تاریخی مانند "الإرشاد" شیخ مفید آمده، نشان دهنده تجلی علم الهی در وجود اوست که فراتر از دانش بشری بود.

۲. علم به معانی ظاهری و باطنی قرآن

استدلال قرآنی: در سوره آل عمران، آیه ۷ آمده است: «او کسی است که کتاب را بر

توناژل کرد، بخشی از آن آیات محکم اند که اساس کتاب اند و بخشی متشابه اند... و تأویل آن را جز خدا و راسخان در علم نمی دانند». شیعیان «راسخان در علم» را ائمه (ع) می دانند.

استدلال حدیثی: در «کافی، جلد ۱، صفحه ۱۹۲» از امام صادق (ع) نقل شده: «نحن الراسخون في العلم ونحن نعلم تأویل القرآن؛ ما راسخان در علم هستیم و ما تأویل قرآن را می دانیم». این علم به نسل امام رضا (ع) نیز رسیده است. شاهد تاریخی: در مناظره با عالم یهودی در حضور مأمون «نقل در عیون اخبار الرضا، جلد ۱، باب ۱۲» امام رضا (ع) با استناد به آیات تورات و قرآن، تأویلات دقیق ارائه داد که عالم را متحیر کرد، نشان دهنده تسلط او بر لایه های باطنی کلام وحی است.

۳. تطابق عمل با قرآن

استدلال قرآنی: در سوره فصلت، آیه ۳۳ آمده: «وکیست خوش گفتارتر از کسی که به سوی خدا دعوت کند و عمل صالح انجام دهد و بگوید من از مسلمانانم». سیره امام رضا (ع) مصداق کامل این آیه است.

استدلال حدیثی: امام رضا (ع) در تمام ابعاد زندگی، از توحید و ولایت تا اخلاق و اجتماع؛ در سیره فردی، اجتماعی و سیاسی به آیات قرآن عمل می کردند. روایات بسیاری در این باره در کتب معتبر شیعه مانند عیون اخبار الرضا، الکافی، تحف العقول و بحار الانوار آمده است که گواه بر این موضوع است.

شاهد تاریخی: سخاوت امام رضا (ع) معروف است؛ در «الإرشاد» شیخ مفید آمده که ایشان در سفری به خراسان، تمام اموالش را میان نیازمندان تقسیم کرد، عملی که تجلی آیات مربوط به انفاق (مانند سوره بقره، آیه ۲۶۱) بود.

۴. اتصال به منبع وحی

استدلال قرآنی: در سوره نساء، آیه ۵۹ آمده: "ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا را

اطاعت کنید و رسول و اولی الامر از میان خودتان را اطاعت کنید". شیعیان اولی الامر را ائمه (ع) می دانند که واسطه وحی اند.

استدلال حدیثی: حدیث ثقلین از پیامبر (ص) در منابع شیعه و سنی (مثل صحیح مسلم، کتاب فضائل الصحابه) نقل شده: «إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله و عترتي؛ من در میان شما دو چیز گران بها می گذارم: کتاب خدا و عترتم». این حدیث، پیوند ناگسستنی قرآن و اهل بیت (ع) را نشان می دهد.

شاهد تاریخی: اذعان به علم امام رضا (ع) و او را «عالم آل محمد» نامیدن (نقل در «تاریخ بغداد»، جلد ۱۰)، نشانه ای از اتصال او به منبع الهی است.

۵. هدایتگری و نورانیت

استدلال قرآنی: در سوره نور، آیه ۳۵ آمده: «خدا نور آسمان ها و زمین است... نوری بر فراز نور، خدا هر که را بخواهد به نورش هدایت می کند». امام رضا (ع) به عنوان نور الهی، هدایتگر خلق بود.

استدلال حدیثی: امام رضا (ع) می فرمایند: «به راستی پیغمبران و امامان (ع) را خدا توفیق دهد و از مخزون علم و حکمت خود به آنها چیزها عطا کند که به دیگران ندهد و دانش آنها برتر از دانش همه اهل زمان های آنها است چنانچه خدای عز و جل می فرماید (یونس: ۳۵): «آیا کسی که رهبری کند شایسته پیروی است یا کسی که نیازمند هدایت است...» (عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۱۹۵). این روایت نشان دهنده نقش هدایتگری ایشان است.

شاهد تاریخی: ضمانت آهو توسط امام رضا (ع) (عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۸۵)، نمادی از رحمت و هدایت او حتی برای موجودات دیگر است که با آیات رحمت الهی هم راستاست.

تجلی قرآن در عمل

تحلیلی بر مؤلفه‌های سبک زندگی قرآنی در حیات امام رضا علیه السلام

امام رضا (ع) در سراسر زندگی خود، قرآن را نه تنها کتابی برای تلاوت، بلکه راهنمایی جامع برای تمام ابعاد زندگی می‌دانستند. ایشان قرآن را حبل الله المتین معرفی کردند و فرمودند: «(قرآن) با گذر زمان ها کهنه نمی‌شود و زبان‌های گوناگون، آن را به انحطاط و تباهی نمی‌کشاند؛ چرا که قرآن برای زمان خاصی قرار داده نشد...» (عیون أخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۰۳). سیره عملی امام هشتم برای همه زمان‌ها ست؛

این سیره نشان می‌دهد که ایشان در سه سطح با قرآن تعامل داشتند:

شناختی: تبیین ویژگی‌های قرآن از جمله اعجاز، جامعیت و تحریف‌ناپذیری.

گفتمانی: استناد به آیات در مناظرات علمی و پاسخ‌گویی به شبهات.

عملی: تطبیق رفتار فردی، اجتماعی و سیاسی با مفاهیم قرآنی.

سبک زندگی فردی در پرتو قرآن

امام رضا (ع) همواره بر اهمیت عبادت و اخلاق تأکید داشتند. گزارش شده است که ایشان هر سه روز یک بار قرآن را ختم می‌کردند و در شب‌های جمعه، ساعاتی

طولانی به تلاوت آیات الهی می پرداختند (مناب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۶۱). همچنین، مهربانی، حلم و بردباری از ویژگی‌های بارز امام بود که با استناد به آیه «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ» (آل عمران: ۱۵۹)، حتی در برابر مخالفان نیز رفتار کریمانه‌ای داشتند (بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۴۲۱). نمونه آن را می‌توان در رجوع دشمنان و مخالفانشان به امام (ع) برای طلب بخشش مشاهده کنیم.

حیات اجتماعی امام رضا (ع) و آموزه‌های قرآنی

سیره اجتماعی امام رضا (ع) مبتنی بر آموزه‌های قرآنی، بر محبت، صلح‌رحم و هم‌نشینی با محرومان استوار بود. ایشان با تأسی به آیات صلح‌رحم می‌فرمودند: «با ارحامت هر چند با دادن جرعه‌ای آب خوبی کن و بهترین نیکویی آن است که آنان را نیاززاری و خداوند در قرآن می‌فرماید: «صدقه‌های خود را با منت و آزار، باطل مکنید» (بقره: ۲۶۴) (تحف العقول، ص ۴۶۹). همچنین، علی‌رغم جایگاه ولایتعهدی، همواره در کنار مردم بودند و در روز عرفه، تمام اموال خود را به فقرا بخشیدند؛ (عیون اخبار الرضا، جلد ۲، صفحه ۲۶۴) تجلی عینی آیه «لَنُتَنَّا لُؤْلُؤًا مِّنَ الْيَرِّ حَتَّىٰ تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ؛ هرگز به نیکی نمی‌رسید مگر آنکه آنچه دوست می‌دارید در راه خدا انفاق کنید و هر چه انفاق نمایید، خداوند بدان آگاه است» (آل عمران: ۹۲).

مدیریت سیاسی و حکمت قرآنی

امام رضا (ع) حتی در عرصه سیاست نیز قرآن را راهنمای خود قرار دادند. پذیرش ولایتعهدی، برخلاف میل قلبی ایشان، بر اساس اصل تقیه و با استناد به آیه «لَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ؛ با دستانتان خود را به هلاکت نیفکنید» (بقره: ۱۹۵) بود. ایشان از این فرصت برای نشر معارف قرآنی استفاده کردند (با توجه به حدیث مورد اشاره در: عوالم العلوم والمعارف والاحوال من الآيات والاخبار والاقوال، بحرانی، ج ۲۲، ص ۲۸۲).



امامِ وحی گستر

جایگاه والای امام رضا (ع) در ترویج معارف و تفسیر قرآنی

امام رضا (ع)، همچون خورشیدی در آسمان علوم قرآنی، با روایات نورانی خویش، راه تفسیر و فهم قرآن کریم را برای شیعیان روشن ساخته است. جایگاه ایشان در تبیین آیات، با تأکید بر اصول اصیل تفسیری، میراثی گران بها از معارف الهی به جا گذاشته است.

اصول تفسیری در روایات رضوی

یکی از مبانی بنیادین، تأکید امام بر تحریف ناپذیری قرآن است. ایشان فرمودند: «قرآن کهنه نمی شود و از زبان ها رخت بر نمی بندد، زیرا برای زمان یا قومی خاص

نازل نشده، بلکه حجتی جاویدان برای همه انسان هاست» (عیون اخبارالرضا، ج ۲، ص ۱۳۰). این سخن، مصونیت قرآن از تحریف و جامعیت آن را به خوبی نشان می‌دهد. همچنین، وحیانی بودن الفاظ قرآن از دیدگاه امام برجسته است؛ ایشان تأکید کردند: «قرآن نه خالق است و نه مخلوق، بلکه کلام خداست» (عیون اخبارالرضا، ج ۱، ص ۵۴۵). جاودانگی قرآن نیز در روایتی از امام، با نقل از امام صادق (ع)، به این صورت بیان شده: «قرآن برای هیچ قوم یا زمانی خاص نیست، از این رو در هر عصر تازه و تا قیامت نوباقی می‌ماند» (البرهان، ج ۱، ص ۶۶).

ویژگی‌های هدایتی و فهم‌پذیری

هدایت‌گری، جوهره قرآن است که در آیه «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره/۲) بدان اشاره شده است و امام رضا (ع) آن را تأیید کرده‌اند: «قرآن کلام خداست، از آن فراتر نرود و هدایت را جز در آن نجوید که گمراه می‌شوید» (عیون اخبارالرضا، ج ۱، ص ۲۲۴). قابل فهم بودن قرآن نیز در پاسخ ایشان به پرسش درباره توحید دیده می‌شود: «کسی که سوره اخلاص را بخواند و به آن ایمان آورد، توحید را درک کرده است» (کافی، ج ۱، ص ۹۱). این نشان‌دهنده سادگی و عمق معارف قرآنی است.

اسباب نزول و قرائت

امام به اسباب نزول آیات نیز توجه ویژه داشتند و فرمودند: اگر می‌خواستیم که قرآن را در کمتر از سه روز ختم کنیم، ختم می‌کردم، لکن از هیچ آیه‌ای عبور نمی‌کنم مگر این که درباره آن و این که درباره چه امری نازل شده و در چه زمانی نازل شده فکر می‌کنم (وسائل‌الشیعه، ج ۶، ص ۲۱۷).

در زمینه قرائت، ایشان قرائات متداول را تأیید کردند. به عنوان مثال در پاسخ به سؤالی درباره چگونگی قرائت سوره توحید، ایشان فرمودند: «همان‌گونه که مردم

می‌خوانند» (البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۸۰۱)، که نشان‌دهنده تأیید قرائات متداول در زمان اهل بیت (ع) است.

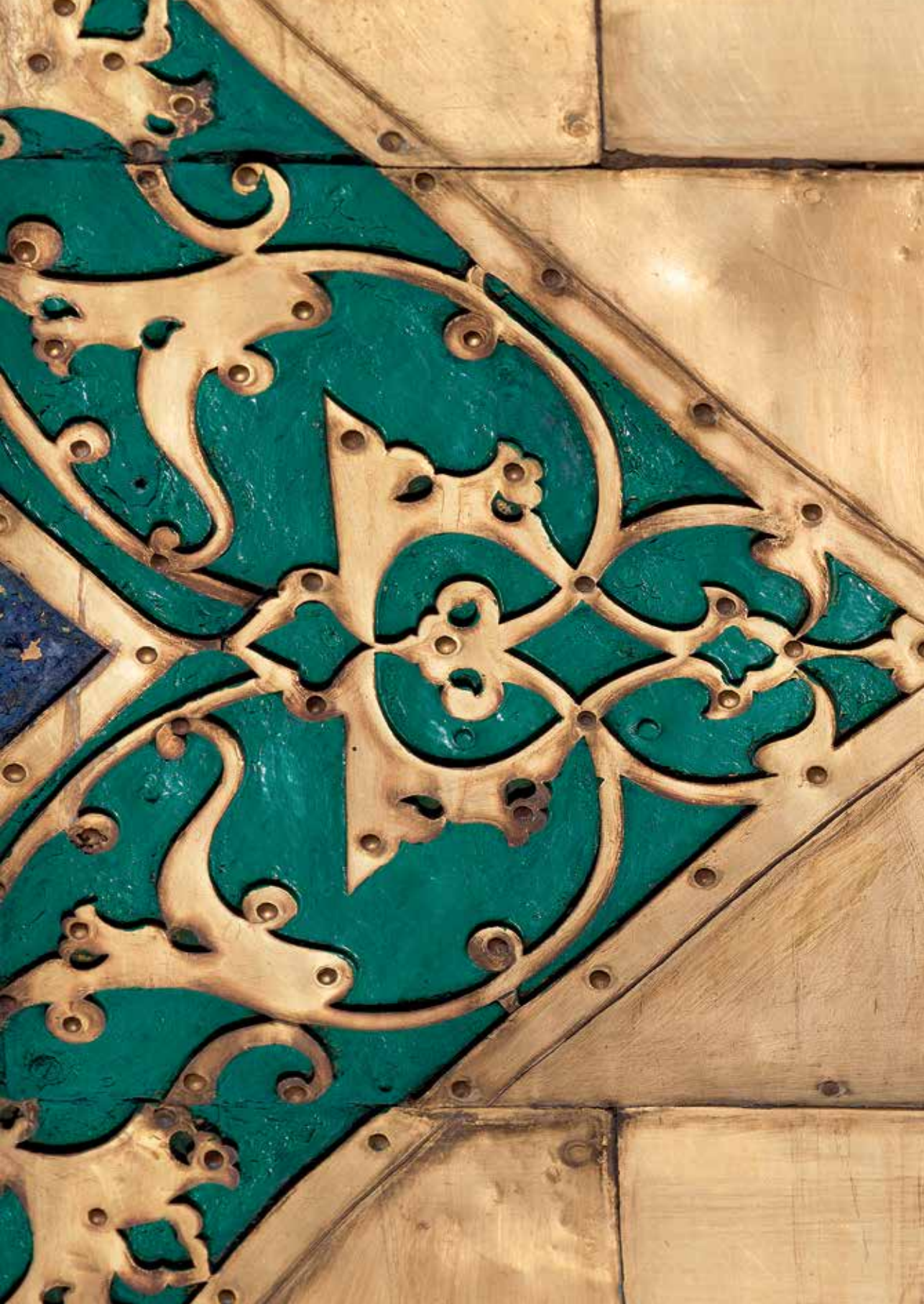
همچنین، اطلاعات ارزشمندی درباره سوره‌شناسی ارائه داده‌اند؛ مثلاً فرمودند سوره انعام یک باره نازل شد و ترتیب نزول از «اقرأ» آغاز و با «إذا جاء نصر الله» پایان یافت (تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۹۳؛ البرهان، ج ۱، ص ۶۹).

فضائل و روش‌های تفسیری

فضائل سوره‌ها نیز در روایات ایشان برجسته است؛ به عنوان مثال فرموده‌اند: «کسی که سوره زلزال را چهار بار بخواند، ثواب ختم قرآن را دارد» (صحیفه الرضا، ۱۴۰۴ ق، ص ۶۶). تمایز میان آیات محکم و متشابه و ارجاع متشابهات به محکّمات، از دیگر اصول تفسیری است: «کسی که متشابهات را به محکّمات بازگرداند، هدایت یافته است» (عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۹۰). روش‌های تفسیری ایشان شامل اسباب نزول، توضیح واژگان، تأویل و رفع شبهات است. محققانی چون محمد هادی معرفت، نقش اهل بیت (ع) را تربیتی دانسته و معتقدند امام رضا (ع) با آموزش شاگردان، راه فهم صحیح قرآن را گشود (التفسیر والمفسرون، ج ۱، ص ۴۶۸).

سیره تفسیری امام رضا (ع)، با تأکید بر اصالت، هدایت‌گری و جاودانگی قرآن، چراغی برای نسل‌هاست. این تعالیم، نه تنها دانش قرآنی را غنی کرده، بلکه راهی برای ارتباط عمیق‌تر با کلام الهی فراهم ساخته است.

(منبع: برگرفته از مقاله جایگاه امام رضا (ع) در علوم قرآنی و تفسیر، نویسنده: عباس مصلائی پور)



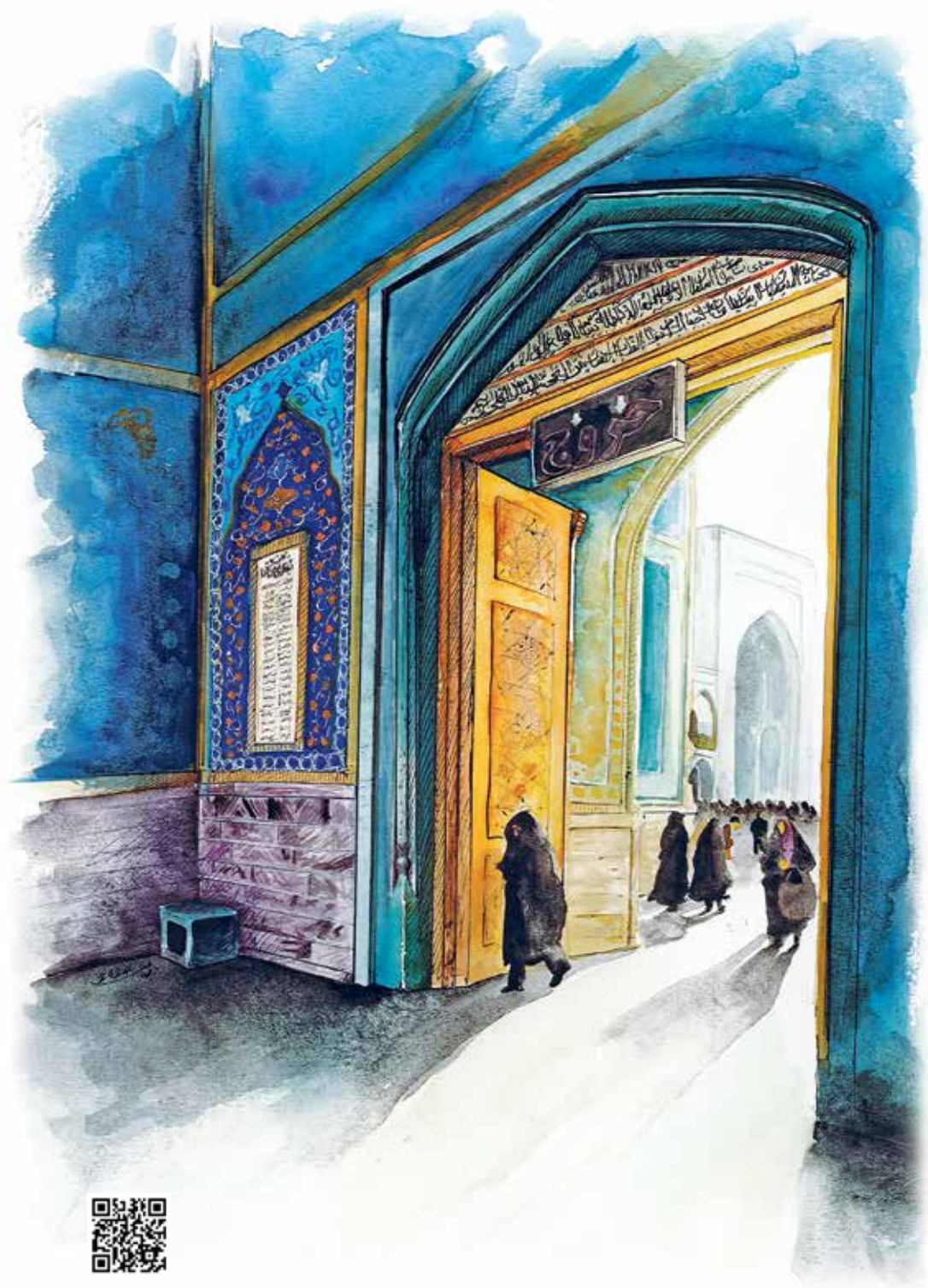
غریبِ قریب

حسابِ دوست داشتنت با تمام حساب و کتاب های دنیا فرق دارد...
تو یک چیز دیگری!

دوست داشتن تو را با تمام دنیا عوض نمی‌کنم. همسایگی تو را با بهشت معامله نمی‌کنم. اگر راستش را بخواهی، بهشت را بدون تو نمی‌خواهم. سال‌هاست که هرگاه به پابوست می‌آیم، سربه سجده می‌گذارم به شکر نعمت بزرگ هم‌جواری‌ات. پس از خدا می‌خواهم که این نعمت بی‌کران را در دنیا از من نگیرد و در آخرت نیز، از این موهبت بزرگ بی‌نصیبم نگذارد.
کاش لایق این همسایگی باشم!

خوب می‌دانی و می‌دانم که بارها به توقول دادم و باز عهد شکستم. می‌دانم همسایه‌لایقی برای تو نبوده و نیستم، اما تو می‌دانی و من می‌دانم و خدا هم خوب می‌داند که چقدر دوست دارم. کاش لایق دوست داشتن تو باشم!
کاش آن‌گونه زندگی کنم که در زمان دیدارمان در سرای جاودان، آنجا که پرده از چشمانم برداشته می‌شود، از من رو برگردانی.
دوستت دارم مولای مهربانم

و می‌گویند که «به دل رهی ست دل را». وای اگر تو هم مرا دوست بداری! حتی تصورش قلبم را به تپش وامی‌دارد و اشک شوق از دیدگانم می‌بارد. آرام جانم، عمری ست دستم را گرفته‌ای، مبادا رهایم کنی! من از گم شدن می‌ترسم، من از دنیای بدون تو می‌ترسم. من بی تو در میان آشنایان هم غریبم! دستم را رها نکن
آقای غریبِ قریب؛







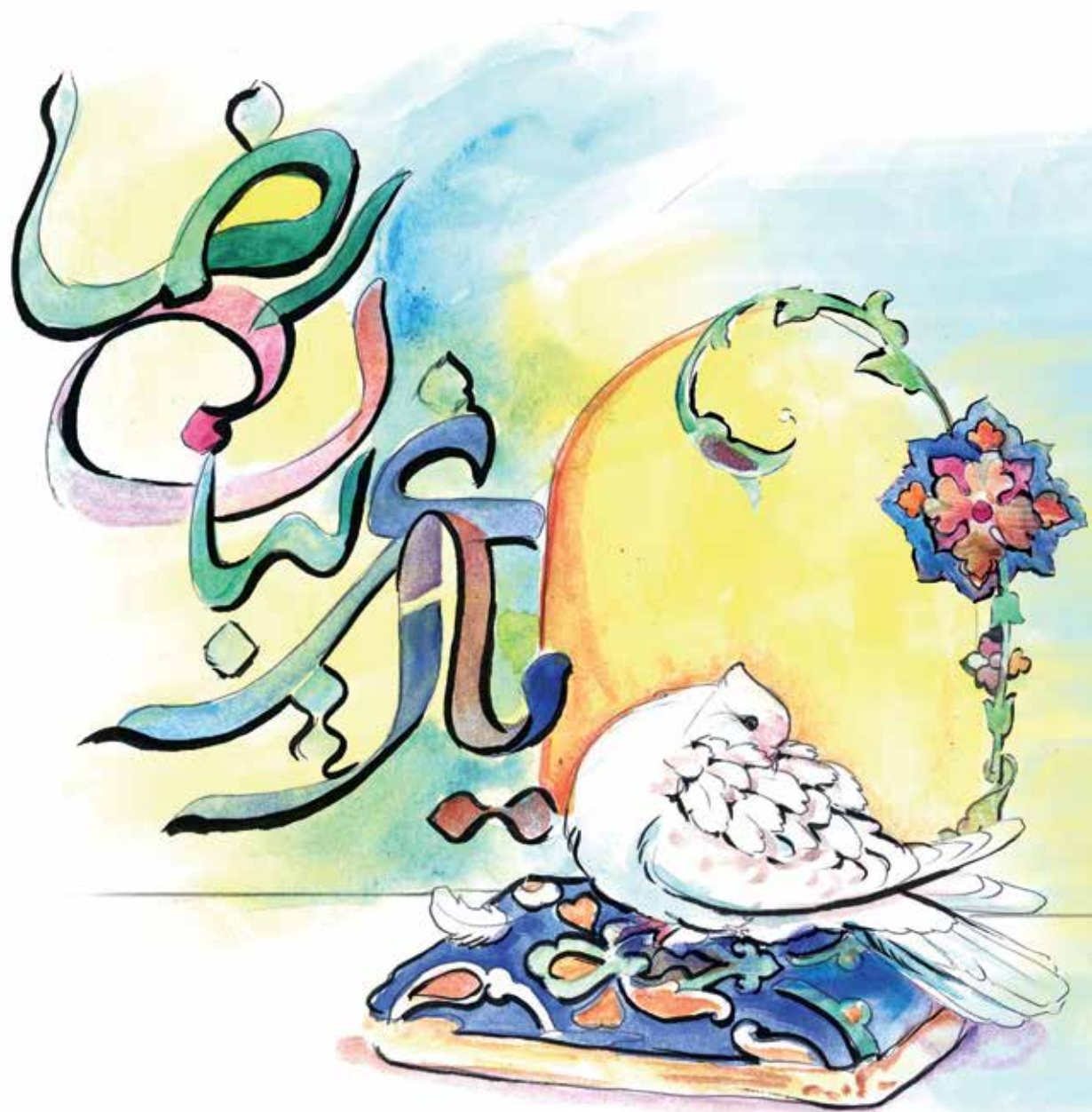


تکریم

وقتی که غم، دلم و زار و پریشان می‌کنه
دل تنگم هوس خاک خراسان می‌کنه
وقتی از جور فلک خسته و درمانده می‌شم
به رضا (ع) رو می‌کنم دردم و درمان می‌کنه
یار غریبانِ رضا (ع)، شاه خراسانِ رضا (ع)، معدن احسانِ رضا (ع)
ترتیش درمانِ رضا (ع)، دلبر و جانانِ رضا (ع)
باید کفتر بشم و تا حرمش پر بزنم
دوتا چشمم بینم سایه ایوان می‌کنه
بگم ای ضامن آهو تو به داد من برس
که دیگه غصه داره خونم و ویران می‌کنه
یار غریبانِ رضا (ع)، شاه خراسانِ رضا (ع)، معدن احسانِ رضا (ع)
ترتیش درمانِ رضا (ع)، دلبر و جانانِ رضا (ع)
هیچ کی دست خالی نرفته از در خانه تو
لطف و احسان تو هر گبر و مسلمان می‌کنه
تو غریب نیستی، به دور حرمت عاشقاتن
هر کی یارش، توبشی، کی یاد هجران می‌کنه
یاد تو، بس که عزیز به دلم وقتی می‌اد
دل بشکسته بهرام و غزل خوان می‌کنه
یار غریبانِ رضا (ع)، شاه خراسانِ رضا (ع)، معدن احسانِ رضا (ع)
ترتیش درمانِ رضا (ع)، دلبر و جانانِ رضا (ع)



همدان، اجرا: مرشد شایانی و مرشد نقی صباغ، آواز افشاری
(گوشه‌های درآمد و عراق)





تحويل سال، تحويل دل

در این بهاری که با بوی خوش آمرزش رمضان درهم تنیده است، زمین و زمان هم صدا شده‌اند تا نوای دگرگونی را نه تنها در شکوفه‌ها، بلکه در ژرفای جان‌ها زمزمه کنند. سالی نوازش راه‌رسیده، ولی این بار، نه تنها با طراوت گل‌ها و سبزه‌ها، بلکه با سکوتی آسمانی که از روزه‌داری سرچشمه می‌گیرد و در شب قدر به اوج می‌رسد. گویی آسمان و زمین در این هم‌زمانی شگفت‌انگیز، پیمانی بسته‌اند تا دل‌های خسته را به سوی روشنایی فرابخوانند.

ماه خجسته رمضان، فصل نزول رحمت، با تحويل سال درهم آمیخته است و شب قدر، آن شب بی‌مانند نزول فرشتگان، هم‌زمان با آغاز سالی نو، رخ می‌نماید. این

هم‌زمانی، تنها یک تصادف نیست؛ بلکه فراخوانی است از سوی هستی برای دگرگونی دل‌ها. همان‌گونه که طبیعت از خواب زمستانی بیدار می‌شود و جامه‌ای تازه بر تن می‌کند، دل‌ها نیز در این شب‌های مبارک فرصتی می‌یابند تا از غبار عادت‌ها رهایی یابند و در مسیر تحول گام بردارند.

شب قدر، شبی که آسمان به زمین نزدیک ترمی شود و فرشتگان با پره‌ای دعا بر سر آدمیان سایه می‌افکنند، اینک با لحظهٔ تحویل سال درهم‌تنیده است. چه لحظهٔ زیبایی که عقربه‌های زمان، نوشدن را اعلام می‌کنند و قلب‌ها به تپش می‌افتند، نه تنها برای سالی جدید، بلکه برای دلی که مشتاق زایشی دوباره است. دلی که در سحرهای رمضان، با اشک، زلال شده و در شب قدر با نور امید، روشن گشته است. تحویل سال، این بار نه فقط دگرگونی در تاریخ و تقویم، بلکه تحولی در احوال است، سفری از حال به «احسن‌الحال». این لحظهٔ مقدس که بهار و قدر را در یک قاب گرد هم آورده، فرصتی است برای دل‌کندن از گذشته و بستن عهدی نو؛ عهدی بر پایهٔ مهربانی، بخشش، رهایی از کینه‌ها و درآغوش کشیدن عشق.

ای دل، همچون زمین، بهاری شو! بگذار این تقارن آسمانی، تو را به درونت ببرد و در این سالی که با روزه و نیایش آغاز می‌شود، تحول را نه تنها در زمان، بلکه در نگاه، سخن و گام‌هایت جاری کن. شب قدر، شب دل‌هاست و این بهار، بهار جان‌ها. تحویل سال مبارک و مهم‌ترازان، تحویل دل مبارک‌تر!

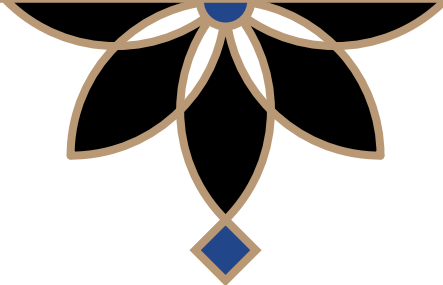


شهرستان ۱۳۷۴





بهار دل
بهار جان



رمضان و نوروز: همگرایی دو مفهوم تحول در آموزه‌های اهل بیت (ع)

هم‌زمانی ماه مبارک رمضان و عید نوروز، فرصتی ناب و دل‌انگیز است تا درآینه آموزه‌های اهل بیت (ع)، به پیوند میان «تحول معنوی و درونی» و «تجدید حیات طبیعی و بیرونی» نگاه کنیم. این دو مناسبت، یکی با عطر معنویت و دیگری با رنگ شادی و طبیعت، در کنار هم درس‌هایی از زندگی بهتر را به ما هدیه می‌دهند. در این نوشتار، با نگاهی به منابع دینی و تاریخی مانند الکافی، بحار الانوار و تاریخ عالم‌آرای عباسی این همگرایی زیبا را مرور می‌کنیم.

۱. رمضان: بازسازی انسان در ساحت فردی و اجتماعی

رمضان، ماهی است که انسان را از درون بازسازی می‌کند و او را به سوی خدا و مردم نزدیک‌تر می‌سازد.

تزکیه نفس و عدالت اجتماعی

امام صادق (ع) در تبیین فلسفه روزه می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَرَضَ الصَّيَّامَ لِيَسْتَوِيَ بِهِ الْغَنِيُّ وَالْفَقِيرُ؛ خداوند روزه را واجب کرد تا ثروتمند و فقیر در کنار هم برابر شوند» (الکافی، ج ۴، کتاب الصوم، حدیث ۱).

این کلام نشان می‌دهد که روزه، فراتر از یک عبادت شخصی، پلی است برای ایجاد همدلی با محرومان و تحقق عدالت در جامعه.

پیوند با خدا

قرآن، شب قدر را از هزار ماه برتر می‌داند: «خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» (قدر: ۳)

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، تأکید می‌کند که شب قدر، زمان نزول قرآن و تعیین سرنوشت انسان‌هاست (المیزان، ج ۲۰، ص ۳۳۰). همچنین امام رضا (ع) در عیون اخبار الرضا می‌فرماید: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ الْوَرَعُ عَنِ الْحَرَامِ وَ إِيَّائَهُ الْمُلْهُوفُ؛ بهترین اعمال در ماه رمضان، پرهیز از حرام و یاری رساندن به نیازمندان

است» (عیون اخبارالرضا، ج ۱، ص ۲۹۵).

این سخن، رمضان را به فرصتی برای پاکی و مهربانی تبدیل می‌کند.

همبستگی اجتماعی

دروسائل الشیعه، بر اتفاق به نیازمندان در ماه رمضان تأکید شده است:

«مَنْ أَطْعَمَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ مُؤْمِنًا حَتَّى يُشْبِعَهُ... كَانَ لَهُ بِذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ؛ هرکسی در ماه رمضان مؤمنی را سیر کند... خداوند ده حسنه برای او می‌نویسد» (وسائل الشیعه، ج ۹، حدیث ۱۲۱۰۷).

این تأکید بر اتفاق، نشان‌دهنده توجه به روح همبستگی اجتماعی در این ماه است.

۲. نوروز: نوشدن طبیعت و پیمان با خدا

نوروز، جشنی است که با بهار طبیعت و یادآوری بزرگی خدا همراه می‌شود و در نگاه اهل بیت (ع) رنگ و بوی توحیدی دارد.

نوروز و پیمان توحید

امام صادق (ع) می‌فرمایند:

«هَذَا يَوْمُ التَّيَرُوزِ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَخَذَ اللَّهُ فِيهِ مِيثَاقَ الْعِبَادِ أَنْ يُوحِدُوهُ؛ «نوروز، روزی است که خداوند از بندگانش پیمان گرفت او را یگانه بدانند» (بحارالانوار، ج ۵۶، ص ۹۲).

این روایت، نوروز را از یک آیین ساده به لحظه‌ای معنوی ارتقا می‌دهد.

همچنین در مصباح المتهجد شیخ طوسی، اعمال مستحبی نوروز (مانند غسل، روزه و نماز ویژه) ذکر شده است. (مصباح المتهجد، ص ۵۹۱).

بهار و یاد قیامت

امام سجاد (ع) در دعایی مرتبط با بهار، به احیای طبیعت و پیوند آن با قیامت اشاره می‌کنند:

این کلام، طبیعت زنده شده نوروز را به یادآوری روزبزرگ رستاخیز پیوندمی زند.

اسناد تاریخی مانند «تاریخ عالم‌آرای عباسی» اسکندریگ ترکمان، نشان می‌دهد حاکمان صفوی، نوروز را با آیین‌های شیعی (مانند جشن غدیر) تلفیق کردند. در این دوره، حتی روز غدیر با نوروز هم‌زمان دانسته شد. (تاریخ عالم‌آرای عباسی، ج ۱، ص ۴۳).

تقویت معنویت و نشاط

هم‌زمانی رمضان و نوروز فضایی را ایجاد می‌کند که در آن عبادت و معنویت با نمادهای شادی بخش نوروزی حس آمیزتر و عاطفی‌تر می‌گردد. دعای تحویل سال با مضامین توحیدی، پیوندی ناگسستنی میان عبادت و طبیعت ایجاد می‌کند.

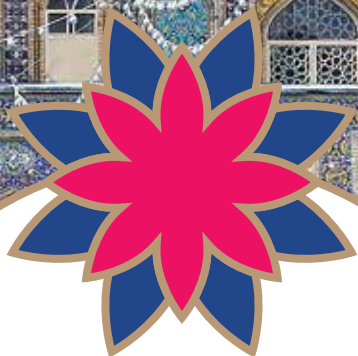
یکی از نکات جالب و قابل توجه این است که توجه و تأیید اهل بیت (ع) بر آئین نوروز این آئین را از چارچوب صرفاً ملی خارج کرده و به آن هویت دینی بخشیده‌اند.

رمضان و نوروز، دو بال برای پرواز به سوی زندگی بهترند؛ یکی دل را پاک می‌کند و دیگری چشم را به زیبایی‌های هستی باز می‌کند. این همراهی نشان می‌دهد که اسلام می‌تواند سنت‌های اصیل را با معنویت درآمیزد و به ما بیاموزد که در هر تحول، خدا را ببینیم و به سوی او گام برداریم.



بهار در بهار





در حریم عاشقانه حرم مطهر رضوی، جایی که عطر نوروز با نسیم عشق تو می آمیزد، سفره هفت سین معنوی چون گوهری می درخشد و قلبم را تکان می دهد.

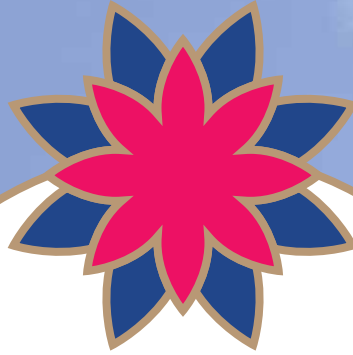
زیر طاق فیروزه ای و طلایی، گل های رنگارنگ با آب زلال فواره، هم نوا شده اند؛ گویی اشک شوق زائران را به آسمان می فرستند. این سفره، نه فقط نماد بهار، بلکه آیینه دل هایی است که رؤیای نوشدن در پناه امام رضا (ع) را آرزو دارند. هر سینه اش، دعایی است برای سالی پراز سلامتی، صلح و سربلندی؛ از سیب معرفت تا سمنوی امید.

در این لحظه نوروزی، قلبم با نگاه به این صحن مقدس، تپش می گیرد؛ گویی ضامن آهوی دلم بهار را در جانم می دمد. پیشوای من... در این بهار، سفره دلم را با نور کرامت آراسته کن تا در سال پیش رو، عطر عشقت را در هر لحظه حس کنم.

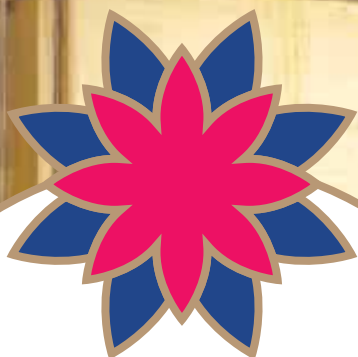


عكاس: سيد شهاب الدين واجدى





در آستانه نوروژ، گنبد طلایی بارگاه نورانی ثامن الحجج (ع) با دستانی پر از عشق شسته می شود، گویی اشک های شوق آسمان بر چهره این حرم مقدس می ریزد. این شست و شو، نه فقط پاکی ظاهر، بلکه نوید پاکی دل هاست. هر قطره آبی که بر این گنبد می چکد، غبار یک سال رنج و دلتنگی را از روحمان می شوید و نور امید را در قلب هایمان زنده می کند. در این لحظه، زیر پرچم سبزه که در آسمان آبی به اهتزاز درآمده صدای قلبم را می شنوم که تو را صدا می زند. احساس می کنم که ضامن آهوا با مهربانی اش، ما را به بهاری دوباره دعوت می کند. شستن این گنبد علامت است... نشانی از شستن غم ها و آغاز سالی پر از نور و آرامش. یا علی بن موسی الرضی المرتضی (ع)، در این نوروژ، با آب زلال این شست و شو، دل هایمان را نیز جلاده تا در سال نو، جز عشق تو و عطر رضایت در آن نماند.



در آستانه بهار، زیر سایه پرمهر امام مهربانی‌ها، حضرت رضا (ع)، دل‌هایمان با غبارروبی پنجره مشبک گنبد طلایی حرم، جانی دوباره می‌گیرند. دست‌هایی که با عشقی بی‌انتها، گردوغبار را از این گنبد و بارگاه مقدس می‌زدایند؛ گویی اشک‌های دل ما را نیز پاک می‌کنند. هر پارچه‌ای که بر این پنجره زرین می‌کشند، کینه‌ها و غم‌های کهنه را از قلبمان می‌شوید و جای آن را با نور امید پر می‌کند. نوروز در این حریم مقدس، نه فقط نوشدن طبیعت که تولدی دوباره برای روح ماست. اینجا، در پناه ضامن آهو، می‌آموزیم که غبارروبی واقعی، زدودن زنگار دل است؛ دلی که یک سال با حسرت‌ها و دل‌تنگی‌ها خاک گرفته.

یا امام رضا (ع)، در این بهار، با نسیم کرامت، قلب‌هایمان را جلاده تا در سال نو، جز عشق تو و عطر مهربانی در آن نماند.







در پهنه گسترده رؤیاهایمان... صحن امام سربلندی‌ها، زیر آسمانی که با نور امید بهاری، آذین بسته شده، خنده‌های معصوم یک فرشته، دل‌ها را به رقص می‌آورد. دست‌های کوچکش که به سوی آب‌فشان‌ها دراز شده، گویی می‌خواهد قطره‌های زلال را در آغوش بکشد؛ همانند قلب پاکش که عشق به امام رضا (ع) را در خود جای داده است. در این روزهای نوروزی، گل‌های رنگارنگ صحن، با هرنسیم بهاری می‌خندند و کاشی‌های فیروزه‌ای، داستان عشق زائران را زمزمه می‌کنند. شادی این کودک، نوید سالی پراز معصومیت و امید است؛ سالی که در پناه ضامن آهو، دل‌ها از غم‌ها شسته می‌شود. ای پناه بی‌پناهان... در این بهار، خنده‌های این فرشته کوچک را در قلبمان حک کن تا سال نویمان، با عطر مهربانی‌ات و شادی‌های بی‌ریا، لبریز از نور و آرامش باشد.

آرامِ جانم

آرامِ جانم...

همسایهٔ مهربانم

زمین و زمان که با من، سرناسازگاری می‌گذارند، دلم که از عالمِ آدم می‌گیرد، ساز دلم که ناکوک می‌زند، گره که به کارم می‌افتد، دل خوشم به بودند، به داشتنت. پس شال و کلاه می‌کنم و راه می‌افتم سمت حرمت، چشم‌هایم بارانی‌اند و شانه‌هایم سنگین و نفسم تنگ، تا آنگاه که گنبد و گلدستهٔ حرمت در قاب چشمانم می‌نشیند. چون به رسم ادب دست بر سینه می‌گذارم و با ترنم لطیف ملاتک زمزمه می‌کنم: «السلام علیک یا امین‌الله فی ارضه» از یاد می‌برم همهٔ اندوهم را.

سر بر شانهٔ در و دیوار حریمت می‌گذارم که همه نشان از تو دارند و مویه‌مو شرح دلدادگی‌ام را دوباره و هزاربار برای بازگو می‌کنم.

دوستت دارم و می‌دانم که می‌دانی حجمِ عمیقِ این احساس را.

دوست داشتنت، چشمه‌ای است که همواره در قلبم فوران می‌کند و می‌جوشد.

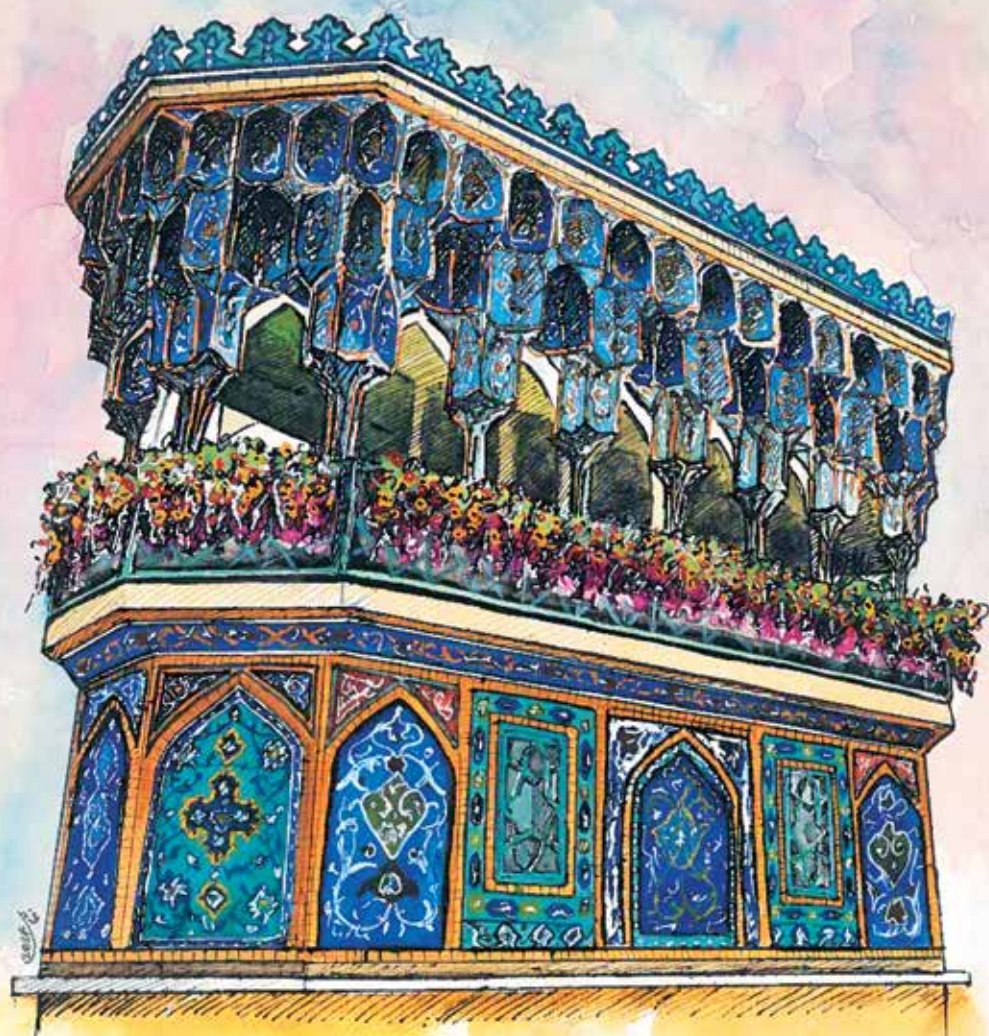
زخم‌هایم سر می‌بندند و اندوهم به آخر می‌رسد در جوارِ مهربانی‌ات.

دیگر حاجتی نمی‌ماند جز خواستنِ تواز خودت، برای ابد.

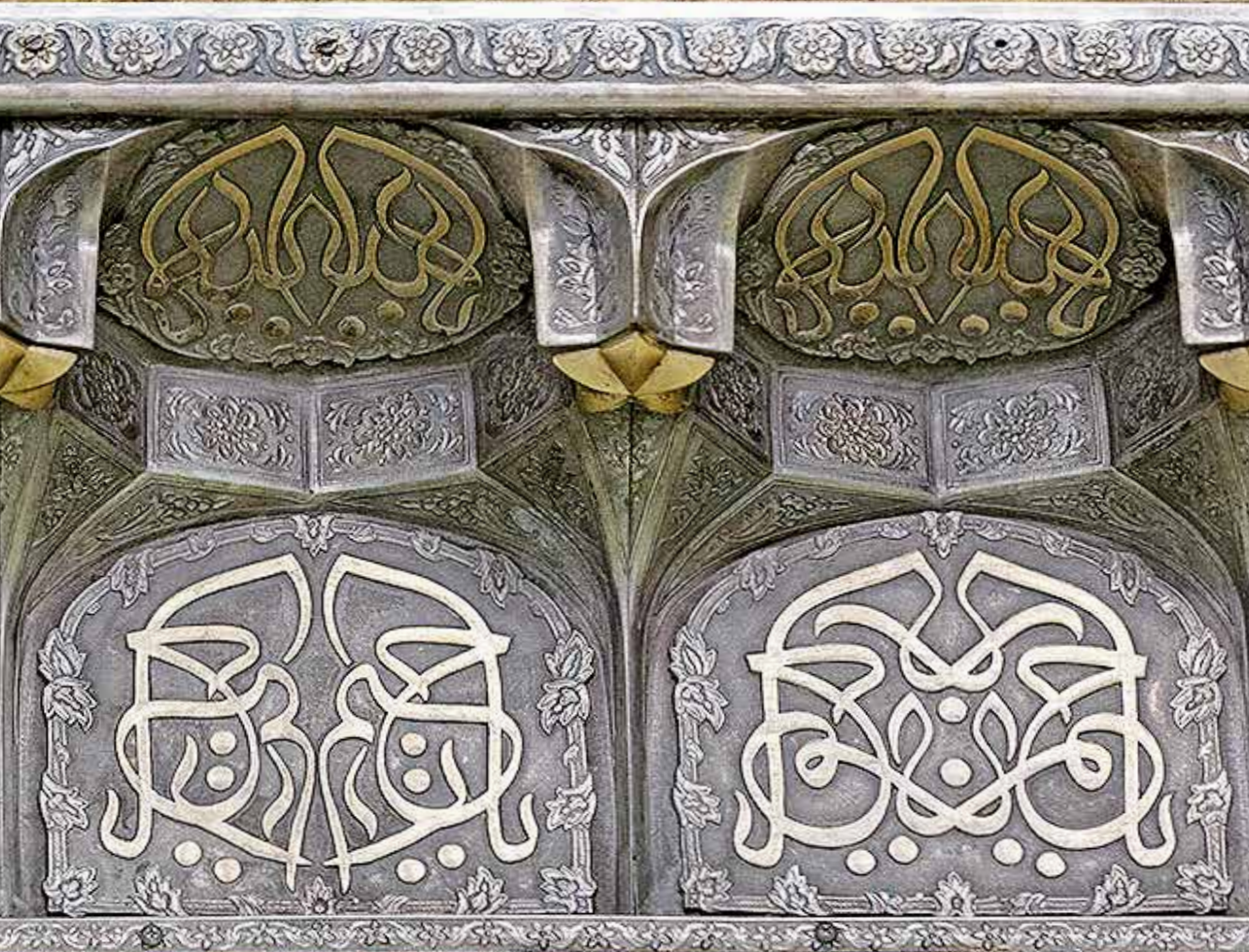
سنگین و سربه‌زیر آمده بودم و سبک‌بال می‌روم.

احساس می‌کنم بال‌هایی بر شانه‌هایم روییده‌اند که مرا تا آسمان می‌برند،

تا آغوش امن خدا...



وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لهذا
وَمَا كنا لنجده لولا هُداهُ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لهذا
وَمَا كنا لنجده لولا هُداهُ



وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لهذا
وَمَا كنا لنجده لولا هُداهُ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لهذا
وَمَا كنا لنجده لولا هُداهُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لهذا
وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا
رَحْمَةُ اللَّهِ وَكَرَّمَ اللَّهُ
وَجْهَهُ وَكَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ



وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لهذا
وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا
رَحْمَةُ اللَّهِ وَكَرَّمَ اللَّهُ
وَجْهَهُ وَكَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ



برای

همیشه

...

منقبت

ای سرمه چشم ماگرد سُم آهویت
شد مُلک دوگیتی پُر، ازبانگ هیاهویت
ای درد همه درمان، از خاک سرکویت
سی جزء کتاب الله، بسم الله ابرویت
جان دوجهان بسته، یکسر به سرمویت
تصویر خدا پیدا است در آینه رویت
توحید، ولایت، دین، ایمان، به تومی نازد
تورات، زبور، انجیل، قرآن، به تومی نازد
جود و کرم و عفو و غفران، به تومی نازد
فضل و شرف و علم و عرفان، به تومی نازد
جنّ و ملک و حور و انسان، به تومی نازد
بیش از همه ای مولا، ایران به تومی نازد
هر کس به کسی نازد، ما نیز رضا (ع) داریم
این فیض و عنایت را، از لطف خدا داریم
هم دامن آلوده، هم اشک رجا داریم
هم پای به گل مانده، هم دست دعا داریم
هر چند گنه کاریم، در کوی تو جا داریم
دو زخ چه کند با ما، جایی که تو را داریم
کی جز تو سه جا آید بر دیدن زوارش
کی جز تو بگیرد دست از عبد گرفتارش
کی جز تو گدا جوشد، پیوسته به دربارش
کی جز تو بُود دائم، احسان و کرم کارش



یزد، اجرا: محمد رضا دهقانی محمودآبادی، دستگاه ماهور
(گوشه های درآمد، آذریاجانی، داد، دلکش، عراق، شکسته)





امام و علم اندوزی

هشتمین امام شیعیان، نامی درخشان در تاریخ علم اسلام است که با ترویج دانش در حوزه‌هایی چون پزشکی، نجوم، فلسفه و الهیات، الگویی بی‌نظیر برای علم‌آموزی شدند. این امام همام، علم را پایه برتری انسان می‌دانستند و شاگردان را به دانش‌اندوزی تشویق می‌کردند.

ایشان فرمودند: «دوست هرکس عقل اوست و دشمنش جهل اوست» (کافی، ج ۱، ص ۱۱، ح ۴) و همچنین فرمودند: «علم... اسلحه در برابر دشمن و مایهٔ زینت دوستان است» (امالی، ص ۵۶۹).

مناظرات علمی و تسلط بر علوم

یکی از برجسته‌ترین جلوه‌های علمی امام، مناظراتشان در دربار مأمون عباسی بود.

مأمون با دعوت از علمای ادیان مختلف، قصد به چالش کشیدن امام را داشت، اما امام با تسلط بر علوم اسلامی و آگاهی از آموزه‌های سایر ادیان، همه را شگفت زده کرد. شیخ صدوق در «عیون أخبار الرضا» نقل می‌کند که ایشان در بحث با جاثلیق (عالم مسیحی)، رأس الجالوت (عالم یهودی) و عمران صابی، با استدلال‌های قوی، برتری علمی خود را نشان دادند؛ تا جایی که به آن‌ها می‌فرمودند: ... از من دلیلی را می‌پذیرم مگر آنچه از موسی بن عمران در تورات آمده و آنچه از عیسی بن مریم در انجیل و از داوود در زبور روایت شده است... (عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۶۴)

توجه به علوم تجربی

امام رضا (ع) به علوم تجربی نیز اهمیت می‌دادند. در «رساله ذهبیه» یا «طب الرضا»، توصیه‌هایی درباره تغذیه، سلامت و سبک زندگی ارائه کردند (رک: الرسالة الذهبیه). این نگاه دقیق، هم راستا با پزشکی امروز، عمق علمی ایشان را نشان می‌دهد.

ارزش عالمان در کلام امام

امام جایگاه عالمان را والامی دانستند و فرمودند: «ملائکه آرزوی دوستی با صاحبان علم را دارند، بال‌هایشان را برای ایشان می‌گسترانند و در نمازشان بر آن‌ها درود و تبریک می‌فرستند» (الامالی، ص ۴۸۸) و همچنین فرمودند: «همه موجودات، برای طالب علم، طلب مغفرت می‌کنند، هر تر و خشکی، حتی ماهیان دریا و درندگان و چهارپایان صحرا برای طالب علم، طلب مغفرت و آمرزش می‌کنند» (الکافی، جلد ۱، ص ۳۴). این احادیث علم را راهی برای تقرب به خدا معرفی می‌کند.

در نهایت می‌توان گفت امام رضا (ع) با تأکید بر علم، دانش تجربی، نقش بزرگی در گسترش معرفت داشتند. سیره علمی ایشان، الگویی جاودان برای دانش‌پژوهان است که علم را نه تنها برای خود، بلکه برای سعادت جامعه می‌خواستند.

امام و کرامت انسانی

امام علی بن موسی الرضا (ع) با سیره و تعالیم خود، کرامت انسانی و حقوق بشر را به زیبایی به نمایش گذاشتند. ایشان انسان را موجودی ارزشمند نزد خداوند می دانستند و همواره بر رعایت حقوق فردی و اجتماعی او تأکید داشتند.

کرامت ذاتی انسان

امام رضا (ع) کرامت را ذاتی انسان می دانستند، نه وابسته به نژاد، ثروت یا مقام. ایشان فرمودند: «گرامی ترین شما نزد خداوند، متقی ترین و پرهیزگارترین شماست»

(عیون اخبارالرضا، ج ۲، ص ۵۷۶). این نگاه، انسانیت را ملاک ارزش قرار می دهد و هرگونه تبعیض را نفی می کند.

عدالت

عدالت از اصول کلیدی در سیره امام بود. ایشان در دوران مأمون، بارها به حاکمان توصیه کردند حقوق مردم را فارغ از جایگاه اجتماعی شان رعایت کنند که نشان دهنده پیوند عمیق عدالت و کرامت در اندیشه ایشان بود: «حق ناتوان بر توانا این است که او را از حقش محروم نکند» (تحف العقول، ص ۴۴۱).

حمایت از محرومان

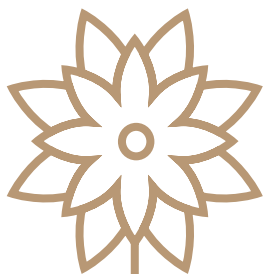
توجه به نیازمندان از جلوه های بارز کرامت مداری امام بود. ایشان ثروت را امانتی می دانستند که باید به مستضعفان برسد و در نامه ای که به مأمون عباسی نوشتند؛ فرمودند: «خداوند برای ناتوانان حقی در اموال توانگران قرار داده است. اگر گرسنه بمانند، ثروتمندان مجازات می شوند» (عیون اخبارالرضا، ج ۲، ص ۱۲۸). این دیدگاه نشان می دهد که کرامت، تنها احترام ظاهری نیست، بلکه تأمین نیازهای اساسی انسان ها را نیز در بر می گیرد.

اخلاق و رفتار نیکو

امام رضا (ع) بر اخلاق مداری و گفتار نیکو تأکید داشتند و فرمودند: «گفتار نیکو مردم را به بهشت وارد می کند» (عیون اخبارالرضا، باب فضائل الامام). نکته دیگری که امام به آن تاکید داشتند رعایت ادب و احترام بود و در مناظرات علمی خود با دانشمندان ادیان دیگر، همواره با ادب و احترام کامل برخورد می کردند. برای مثال:

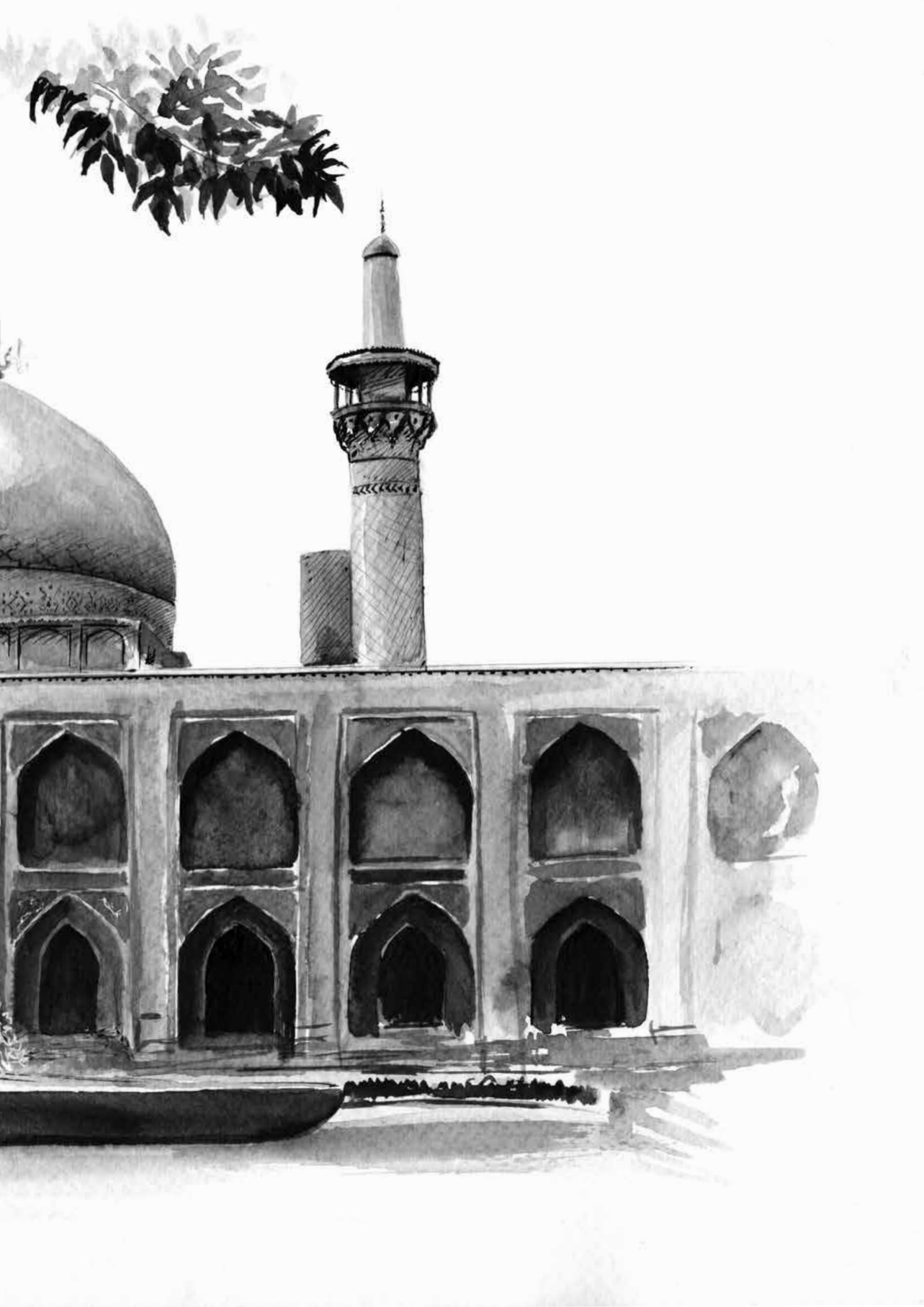
در مناظره با «عمران صابی» (از بزرگان صابین)، با وجود اختلاف عقیده، خطاب به او فرمودند: «یا عَمْرَأُ! أَنْتَ رَجُلٌ صَاحِبٌ كَلَامٍ...؛ ای عمران! تو مردی اهل بحث هستی...» (عیون أخبار الرضا، ج ۱، باب مناظرات الإمام).

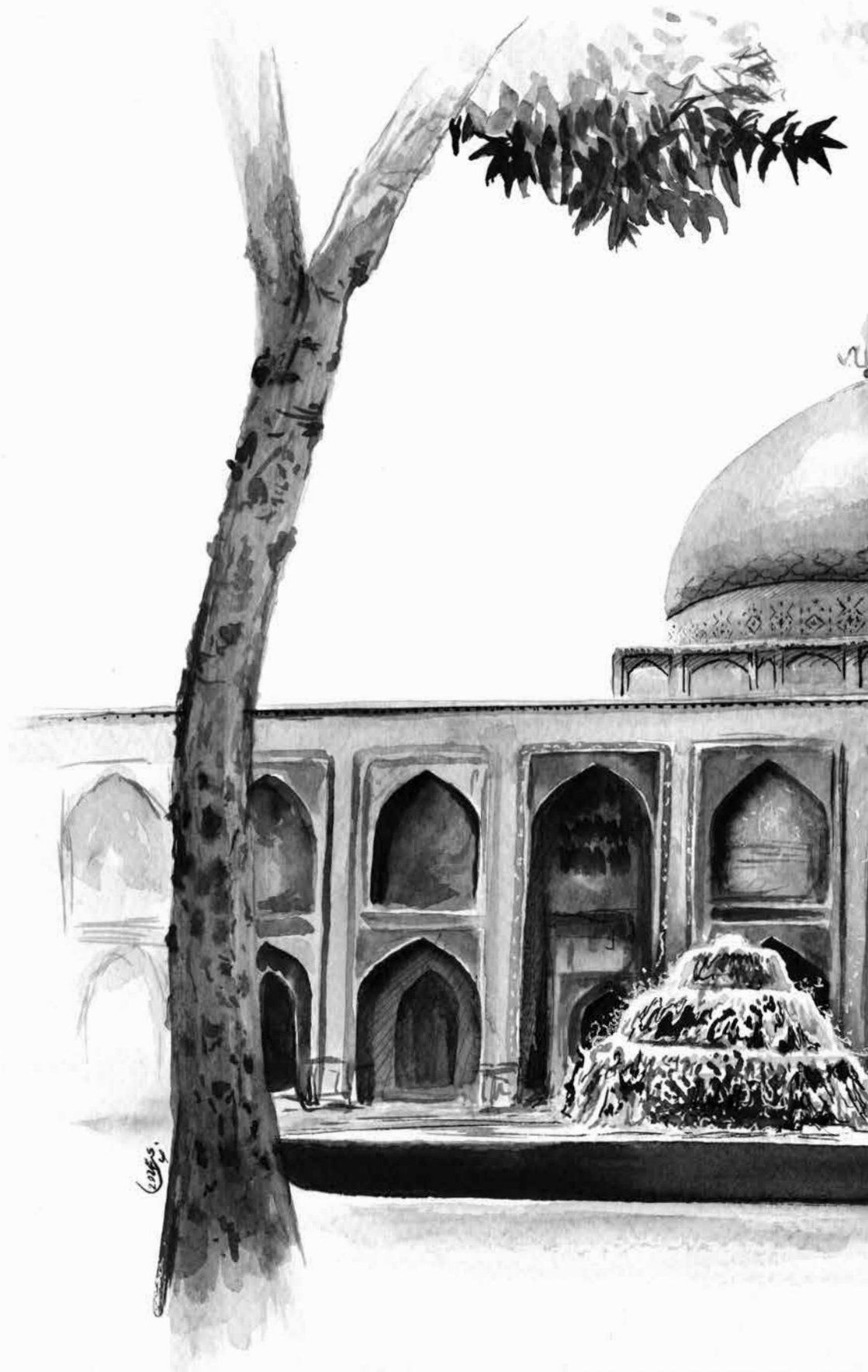
این جمله نشان‌دهنده احترام به طرف مقابل، حتی در شرایط اختلاف نظر است. در مجموع، امام رضا (ع) با تأکید بر کرامت ذاتی انسان، عدالت، آزادی، حمایت از محرومان و اخلاق‌مداری، مدافع راستین حقوق بشر بودند. تعالیم ایشان، انسان را فارغ از تفاوت‌ها ارزشمند می‌داند و راهی برای ساختن جامعه‌ای عادلانه و انسانی ارائه می‌دهد. این سیره، در هر زمان و مکان، چراغ راه بشریت برای احترام به کرامت و حقوق یکدیگر است.





عکاس: سیدسجاد علویان





امام و سیاست ورزی

امام رضا (ع) در دورانی پرچالش زندگی کرد که خلافت عباسی در اوج قدرت بود و جامعه اسلامی با بحران‌های سیاسی و اعتقادی روبه‌رو شده بود. انتقال اجباری ایشان از مدینه به مرو و پیشنهاد ولایتعهدی از سوی مأمون عباسی، بستی برای سیاست‌ورزی هوشمندانه‌ای فراهم کرد که نه تنها جایگاه معنوی امام را حفظ کرد، بلکه تأثیر عمیقی بر تشیع و سیاست اسلامی گذاشت.

هوشمندی سیاسی و درک شرایط

امام رضا (ع) با درک عمیق شرایط زمانه، به نیت واقعی مأمون از پیشنهاد ولایتعهدی پی بردند. ایشان ابتدا از پذیرش آن خودداری کردند و با اجبار مأمون و تهدید شیعیان، این منصب را با شروطی چون عدم دخالت در حکومت پذیرفتند. ایشان در برابر این پرسش که ای فرزند رسول خدا! با چه انگیزه‌ای وارد ماجرای ولایتعهدی شدی؟ پاسخ داد: «با همان انگیزه‌ای که جَدَم علی (ع) وادار به حضور

در شورا شد» (عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۴۰). این تصمیم هوشمندانه، نقشهٔ مأمون برای کنترل شیعیان را خنثی کرد و به امام امکان داد تا معارف اسلامی را ترویج دهند. همچنین مناظرات امام با علمای ادیان مختلف در دربار مأمون، ابزاری کلیدی در سیاست ورزی ایشان بود. مأمون قصد داشت جایگاه علمی امام را تضعیف کند، اما این مناظرات به نمایش تسلط بی نظیر امام بر قرآن و علوم دینی تبدیل شد.

حفظ هویت دینی

امام هیچ‌گاه از اصول اعتقادی شیعه کوتاه نیامدند. پذیرش مشروط ولایتعهدی و تأکید بر زیارت و دعا، هویت شیعی را تقویت کرد. عباسیان با هدف یکپارچه سازی ایدئولوژیک تلاش می کردند تفکر معتزلی را غالب کنند. اما امام رضا (ع) با ترویج زیارت‌نامه‌هایی چون «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا قُرْآنَ اللَّهِ التَّاطِقُ» (اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۲۵۷)، پیوند شیعیان با قرآن و اهل بیت را تثبیت نمود و در برابر تلاش عباسیان برای یکپارچگی ایدئولوژیک، مقاومتی فرهنگی ایجاد کرد (رک: رسول جعفریان، تاریخ تشیع در ایران، ج ۱، ص ۲۰۵-۲۱۰).

نقد ساختار ظالمانه

امام در نامه‌ها و سخنرانی‌ها، سیاست‌های اقتصادی عباسیان را نقد می کردند و بر حقوق محرومان تأکید داشتند (رک: عیون اخبار الرضا، ج ۲).

ترویج معارف اسلامی

امام از موقعیت خود برای پاسخ به شبهات و ترویج دانش استفاده کردند. حدیثی چون «مَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَقْرَأِ الْقُرْآنَ» (عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۳۰۷)، بر اهمیت قرآن تأکید دارد. سیرهٔ ساده‌زیستی ایشان نیز الگویی در برابر تجمل‌گرایی عباسیان بود. در نهایت سیاست ورزی امام رضا (ع) با هوشمندی، مقاومت نرم و استفاده از ابزارهای علمی و فرهنگی، میراثی ماندگار برای تشیع به جا گذاشت. این رویکرد، مبتنی بر اصول الهی، الگویی بی نظیر از سیاست ورزی دینی در تاریخ اسلام ارائه داد که فراتر از قدرت طلبی، بر معنویت و اخلاق استوار بود.

امام و گفت‌وگو

امام رضا (ع) در سیره خود به گفت‌وگو، مدارا و تعامل سازنده اهمیت ویژه‌ای می‌دادند. این آموزه‌ها در دنیای امروز نیز برای تعامل میان فرهنگ‌ها و کاهش تنش‌ها ارزشمندند. این ویژگی در مناظرات علمی، برخورد با مخالفان و تعامل با مردم، از جمله پیروان ادیان دیگر، به وضوح دیده می‌شود.

گفت‌وگو، راهی برای آگاهی

امام رضا (ع) منش و کنش خویش را برگفت‌وگو قرار دادند و از گفت‌وگو به عنوان روشی برای اثبات حقیقت و مسیری برای توسعه آگاهی انسان و جامعه بهره بردند. مناظرات ایشان گواه این مطلب است. هنگامی که طرف مذاکره، حرفی برای گفتن نداشت و خواستار اتمام گفتگو بود، امام پذیرفتند (رک: امالی، ص ۱۷۸).

مناظرات علمی و روش منطقی

امام رضا (ع) در جریان مناظره‌های علمی خود با تکیه بر سیر منطقی مباحث، سخن را به گونه‌ای تنظیم می‌فرمودند که هرگونه ابهامی را در این زمینه، برطرف سازد تا طرف مقابل، حقیقت را به طور کامل دریابد و مجذوب کلام گردد. در مناظره با عمران صابی این نکته به خوبی دیده می‌شود (رک: بحار الانوار، ص ۱۰، ص ۳۳۳).

نرمش و مدارا

امام در گفتگوهای علمی نرمش و مدارا داشتند. در یکی از مناظرات سلیمان مروزی که از متکلمان آن روزگار بود به تناقض گویی افتاده بود که موجب شد مامون نسبت به او پرخاش کند. امام در این مناظره فرمودند: «با کلام دان خراسان مدارا کنید... او را آزاد بگذار و پرسش او را مانع مشو...» (عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۸۳).

انصاف

انصاف در گفتگوهای علمی موجب اعتماد و روی آوردن پرسشگران به اساتید و پذیرفتن سخن آن هاست. امام رضا (ع) در مناظرات خود همواره انصاف داشتند و به آن توصیه می کردند. ایشان در یکی از مناظرات خود فرمودند: «...عمران، پیرس و اصل انصاف را رعایت کن و ازستم پیرهیز...» (عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۶۸).

صبر در برابر مخالفان

امام حتی با دشمنان خود با حکمت و بردباری رفتار می کردند. در یکی از مناظرات، زمانی که جاثلیق با استدلال امام (ع) مواجه می شود که فرمودند: «ما به خدا معتقدیم و به عیسایی که معتقد به نبوت محمد (ص) بود، و ما چیزی علیه عیسی نداریم، مگر ضعف و کمی روزه و نماز او». در اینجا جاثلیق با شنیدن این سخنان فریاد می زند: «به خدا دانش و علم خود را فاسد کردی و امورت ضعیف شد. ما فکر می کردیم تو عالمترین اهل اسلام هستی. امام (ع) به آرامی با او روبرو شد و با توجه به خدا انگاشتن عیسی (ع) توسط مسیحیان، به وی پاسخ داد (طبرسی، ج ۲، ص ۴۱۳).

احترام به آزادی بیان

امام به آزادی عقیده و بیان اهمیت می دادند و در مناظرات، به مخالفان اجازه ابراز نظر می دادند. ایشان فرمودند: «...ای اندیشمندان، اگر در میان شما کسی است که اسلام را باور ندارد و می خواهد در این باره سؤال کند، بپرسد و از چیزی بیم به دل راه ندهد...» (عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۶۸). بیم به دل راه ندادن که در کلام امام آمده است روشنگر این حقیقت است که در گفتن های علمی باید آزادی و آزاداندیشی وجود داشته باشد و فرصت اظهار عقیده از افراد گرفته نشود.

دریای احسان



با قدم‌هایی سنگین به سویت گام برمی‌دارم. بادل‌ی امیدوار و دستی گشاده به سویت می‌آیم تا به ضریحت بیاویزم و ندبه سردهم.

بهارم را با تو آغاز می‌کنم، کنار هفت سینی از سلام و سخاوت در بارگاه ملکوتی‌ات. ای نگهدارنده دل‌ها! مرا در بارگاهت بپذیر. دستم را بگیر و قلبم را میهمان سفره جودت کن. ماهی قرمز دلم را در حجم دریای احسانت بپذیر و با سیب سرخ محبت سفره ایمانم را عطراگین کن.

یا ضامن آهو! سبزه دلم را با عشق به قرآن و آیه‌های نورانی اش گره بزن و سرکه درونم را با حلاوت ایمان و عشق خودت شیرین گردان.

من بادل‌ی روزه‌دار و لب‌ی ذاکر و قلب‌ی امیدوار به سویت آمده‌ام تا دست‌هایم را خالی از یأس کنی و وجودم را پراز عطریاس.

ای که از نسل زهرا و حیدری، در این سال نو، دلم را با نور قرآن روشن کن و با عشق رضوی جلایده تا چون کبوتران حرمت، آزادورها جام عشق به اهل بیت را سرکشم و روزه‌ام را با کلام وحی افطار کنم. دلم را بهاری کن

يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ يَا مُدَبِّرَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ يَا مُحَوِّلَ الْحَوَالِ وَالْأَحْوَالِ
حَوِّلْ حَالَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ.









مدد خوانی

سرکوه بلند، فریاد کردم
رضا شاه خراسان، یاد کردم
رضا شاه خراسان، ای رضا جان
بکن درمان، تو درد دردمندان
حریمت قبلهٔ جانم، رضا جان
بُود حب تو ایما منم، رضا جان
رضا خسرو خوبان، رضا جان
تویی راه مرا پایان، رضا جان



فارس، شیراز، اجرا: علی باقری، لحن محلی مطابق با آواز دشتی



زینت ایمان

زینت و آراستگی از نگاه امام رضا (ع): تعادلی میان ظاهر و باطن

انسان، به اقتضای فطرت خویش، شیفته زیبایی و آراستگی است و دین مبین اسلام، با تکیه بر این فطرت الهی، به این نیاز توجه ویژه‌ای نشان داده است. اگرچه روایات بسیاری از ساده‌زیستی ائمه هدی (ع) یاد می‌کند اما معصومان (ع)، از جمله امام رضا (ع)، هرگز سهل‌انگاری در آراستگی را جایز ندانسته‌اند. در قرآن و سخنان امام رضا (ع)، زیبایی و زینت به عنوان جلوه‌ای از محبت الهی ستایش شده و به عنوان توصیه‌ای برای جامعه مطرح گردیده است. امام، زینت را به دودسته مادی و معنوی تقسیم می‌کنند: زینت‌های معنوی مانند دین، اهل بیت (ع) و تقوا، راه نجات در آخرت‌اند، در حالی که زینت‌های مادی، با حمایت از ارزش‌هایی چون نوع دوستی، استحکام خانواده و احترام متقابل، زندگی دنیوی را غنا می‌بخشند. هماهنگی این دو، لذتی عمیق به روح انسان هدیه می‌دهد.

سیره آراسته امام رضا (ع)

امام رضا (ع) در حضور مردم، همواره با آراستگی ظاهر می‌شدند (بحارالانوار ج ۷۶، ص ۲۹۸) و دیگران را نیز به این امر سفارش می‌کردند. زیبایی ظاهری ایشان چنان چشم نواز بود که برخی صوفیان زهد زده اعتراض کردند؛ اما امام با پابندی به اعتدال، از اسراف و اشرافی‌گری پرهیز کرده و در خلوت، به ترکیه نفس می‌پرداختند. این سبک زندگی، الگویی از تعادل میان زینت و زهد را به نمایش می‌گذارد.

مصادیق زینت در تعالیم رضوی

زینت برای مسجد: بر اساس روایتی از امام رضا (ع)، آیه «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ؛ زینت خود را در هنگام رفتن به هر مسجدی، با خود بردارید» (اعراف: ۳۱) به معنای پوشیدن لباس پاکیزه تفسیر شده است (الکافی، ج ۱۳، ص ۱۳۲).

آراستگی زوجین: امام تأکید دارند که بی توجهی مردان به آراستگی، ممکن است زنان را از پاک دامنی دور کند (بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۱۰۰). استفاده از عطر را نیز «حرز» (نگهبان) خانواده دانسته اند (من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۰) که نشان دهنده نقش آراستگی در استحکام پیوند خانوادگی است.

آراستگی برای دیگران: انسان ها به صورت فطری زیبایی را می ستایند اما امام رضا (ع) دو انحراف را نهی کرده اند: ژنده پوشی صوفیانه که با استناد به آیه مذکور، رد شد (بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۵۳) و تجمل پرستی افراطی که در زیارت نامه ایشان با عبارت «رغب عن زینتها» محکوم شده است. ایشان نظافت، عطر و اصلاح مو را از اخلاق پیامبران برشمرده اند (بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۶۶).

زینت های ارزشی: ایمان، تقوا، ائمه (ع) و اعمال صالح از زینت های معنوی اند. امام می فرمایند: «لَا تَخْلَعْ عَنِّي زِينَةَ الْإِيمَانِ» (فقه الرضا، ص ۳۹۵) و روز غدیر را زینت بخش ایام الهی می دانند، چون «مثل ماه در میان ستارگان است» (مصباح الزائر، ج ۲، ص ۱۸).

آراستگی و جوانان

پیشوایان اسلام، خودآرایی جوانان را در چارچوب اخلاق تأیید کرده اند، اما هشدار می دهند که مدگرایی نباید با زیبایی گرایی اشتباه شود. ارضای این میل فطری، به شکوفایی احساسات و تقویت روح، کمک می کند؛ مشروط به اجتناب از افراط.

جوان باید به زیبایی ظاهری و درونی (عقل، علم، هنر و اخلاق) توجه کند تا انسانی کامل و مفید برای جامعه شود. سیره امام رضا (ع) نشان می دهد که آراستگی، زمانی ارزشمند است که با معنویت همراه شود. این تعالیم، راهی برای تعادل میان ظاهر و باطن ارائه می دهد که در دنیای امروز نیز راهگشاست.

(منبع: برگرفته از مقاله «زینت و آراستگی از دیدگاه امام رضا (ع)»، رحیمی، مرتضی، پژوهش های اجتماعی، اسلامی، زمستان ۱۳۹۶ - شماره ۱۱۵).

زر و زهد

سیره اقتصادی امام رضا (ع): الگویی برای حیات طیبه

اقتصاد، رکن اساسی هر جامعه‌ای است که امید، تکاپو و سازندگی آن را شکل می‌دهد. همان‌گونه که محمد حکیمی در کتاب «کلام جاودانه» بیان می‌کند، در جو سالم اقتصادی است که متفکران می‌اندیشند، هنرمندان می‌آفرینند و اخلاق‌مداران تربیت می‌کنند. اهل بیت (ع)، به‌ویژه امام رضا (ع)، با سیره و گفتارشان، کامل‌ترین الگوی زندگی برای مسلمانان ارائه داده‌اند. بررسی منابع تاریخی و روایی نشان می‌دهد که معارف اقتصادی امام هشتم، مجموعه‌ای جامع از اصول حیات طیبه، راهکارهای خرد و راهبردهای کلان را در بردارد که سه عرصه فردی، خانوادگی و اجتماعی را در برمی‌گیرد.

عرصه‌های سیره اقتصادی امام رضا (ع)

در عرصه فردی، ویژگی‌هایی چون سخاوت، قناعت و عزت نفس برجسته است. امام با رفتار و کلام خود، ما را به ساده‌زیستی و دوری از تجمل‌گرایی دعوت می‌کند که می‌تواند بسیاری از مشکلات معیشتی را برطرف سازد. در عرصه خانوادگی، جایگاه سرپرست خانواده که برای تأمین معاش تلاش می‌کند، هم‌پایه مجاهد فی سبیل الله دانسته شده است (مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۵۴). این نگاه، ارزش کار و تلاش را به اوج می‌رساند. در عرصه اجتماعی، تأکید بر مساوات، تعاون و مبارزه با اشرافی‌گری، راه‌حل‌هایی برای چالش‌های اقتصادی امروز ارائه می‌دهد.

شاخصه‌های اقتصاد رضوی

باور به مالکیت الهی: برخلاف مکاتب مادی، اسلام مالکیت مطلق را به خدا نسبت می‌دهد. امام رضا (ع) می‌فرمایند: «خداوند مالک حقیقی است و اموال در دست مردم، امانت‌اند» (الحیة، ج ۳، ص ۶۸). این باور، پایه‌ای برای عدالت و مسئولیت‌پذیری در استفاده از ثروت است.

باور به معاد: ایمان به آخرت، انسان را از اسراف، اکتناز و ظلم بازمی‌دارد، زیرا هر عمل در برابر خدا پاسخ دارد (بقره/۳).

عدالت اجتماعی: اجرای عدالت، پشتوانه پایداری اقتصاد است. امام می‌فرمایند: «دادگری و نیکوکاری، نعمت‌ها را پایدار می‌کند» (عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۴).

آزادی اقتصادی: اسلام، آزادی را در چارچوب ارزش‌های دینی می‌پذیرد و کسب و خرج مال را مشروط به راه‌های مشروع می‌داند.

میانه‌روی در مصرف: امام، هم اسراف و هم بخل را ناپسند شمرده و بر تعادل تأکید دارند (مسند الامام الرضا (ع)، ج ۱، ص ۲۹۵).

نفی تکاثر و اکتناز: انباشت ثروت و انحصارطلبی، ازدیدگاه امام، جامعه را به فساد می‌کشاند (عیون اخبارالرضا، ج ۲، ص ۱۲۶؛ بحارالانوار، ج ۶، ص ۹۳).

کار و تلاش: ازدیدگاه ایشان، ارزش معنوی کار چنان است که مقام کارگرا فراتر از مقام جهادگران در راه خدا می‌داند و می‌فرماید: «آن که با کار و کوشش، در جست‌وجوی مواهب زندگی برای تأمین خانواده خویش است، پاداشی بزرگ تر از مجاهدان راه خدا دارد» (تحف العقول، ص ۸۰۸).

پرهیز از اسراف: اسراف، مانع رشد اقتصادی است و امام (ع) می‌فرماید: «خداوند، تباه سازی اموال را دشمن می‌دارد.» (تحف العقول، ص ۸۰۴).

هشدار درباره فقر: فقر، شخصیت انسان را نابود می‌کند و امام آن را کلید بدبختی می‌دانند (بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۲۶۰).

تخصص‌مداری: واگذاری کار به افراد شایسته، از اصول اسلام خالص است (عیون اخبارالرضا، ج ۲، ص ۱۲۶).

مسئولیت ثروتمندان: زکات و کمک به تهی‌دستان، وظیفه توانمندان است (عیون اخبارالرضا، ص ۴۱۰).

روان‌شناسی زراندوزان: زراندوزی از بخل، حرص و قطع رحم سرچشمه می‌گیرد (الخصال، ج ۱، ص ۴۱۱). براین اساس، برای ریشه‌کن کردن فقر و شکوفا ساختن اقتصاد جامعه، چاره‌ای جز رشد فرهنگی جامعه و اصلاح اخلاق مردمان وجود ندارد. سیره اقتصادی امام رضا (ع) نشان‌می‌دهد که مال، عامل قوام جامعه است و باید با کوشش، عدالت و اخلاق، حفظ و به‌کار گرفته شود. این تعالیم، نه تنها راه‌حل مشکلات امروزی را در خود دارد، بلکه با ترویج فرهنگ کار و رشد معنوی، جامعه‌ای پویا و متعادل می‌سازد.

(منابع: حکیمی، محمد، «امام رضا (ع): زندگی و اقتصاد»، موسوی، سید جلال، «بررسی اقتصاد درآیین رفتار و گفتار امام رضا (ع)»، طاهری، سید محمود، «مروزی براندیشه‌های اقتصادی امام رضا (ع)»).







از طوس تا جهان

رویکرد جهانی امام رضا (ع): الگویی برای زیست معاصر

امام رضا (ع) (۱۴۸-۲۰۳ ق) در دوره‌ای زیستند که جهان اسلام شاهد تحولات عمیق علمی، فرهنگی و فکری بود. این عصر که اواخر قرن دوم تا اوایل قرن سوم هجری را دربرمی‌گیرد، با نهضت ترجمه متون یونانی، هندی و پارسی و نیز مواجهه با ادیان و مکاتب گوناگون مانند زرتشتی‌گری، مسیحیت، یهودیت و فلسفه‌های متنوع مشخص می‌شود. در چنین بستری، سیره امام رضا (ع) نه تنها با نیازهای زمانه سازگار بود، بلکه الگویی پویا از تعامل میان اصول ثابت دینی و نوآوری در روش‌های تبلیغ و هدایت ارائه داد. یکی از ویژگی‌های برجسته این سیره، بهره‌گیری هوشمندانه از تنوع زبانی و فرهنگی

درگستره وسیع جهان اسلام، از اندلس تا هند، بود.

مبانی نظری توجه به زبان

امام رضا (ع) در حدیثی معروف فرموده‌اند: «با مردم به زبانی سخن بگویند که آن را می‌شناسند» (تحف العقول، ص ۴۴۳). این سخن، پایه نظری گفتمان چندزبانه در سیره رضوی را تشکیل می‌دهد. از دیدگاه ایشان، زبان نه تنها ابزار انتقال پیام، بلکه بستری برای خلق معنا و اندیشه است؛ بنابراین، بازآفرینی مفاهیم دینی در قالبی که با ذهنیت و فرهنگ مخاطب هم‌راستا باشد، شرط اصلی فهم و تأثیرگذاری تلقی می‌شود. این رویکرد نشان‌دهنده عمق درک امام از نقش زبان در ارتباط انسانی است.

نمونه‌های عملی بهره‌مندی از زبان در سیره رضوی

سیره امام رضا (ع) مصادیق روشنی از این رویکرد را به نمایش می‌گذارد. در مناظره با زرتشتیان خراسان، ایشان از واژگان زبان پهلوی بهره بردند و با استناد به متون مقدس زرتشتی، مفهوم توحید را در چارچوبی قابل فهم برای مخاطبان تبیین کردند (الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۶۷). هرچند سند این روایت نیاز به بررسی بیشتر دارد، حضور زرتشتیان در خراسان و مناظرات آن دوره این احتمال را تقویت می‌کند. در گفت‌وگو با برهمن‌های هندی نیز امام از اصطلاحات سانسکریت استفاده کردند و مفاهیم اسلامی را با فرهنگ هند و تطبیق دادند (مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۵۶). همچنین در مناظره با مسیحیان رومی، با به کارگیری اصطلاحات فلسفه یونانی، پیامبر اسلام (ص) را به عنوان تحقق وعده‌های اناجیل معرفی نمودند (الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۵۱). این انعطاف در استفاده از زبان و فرهنگ مخاطب، نشان‌دهنده مهارت بی نظیر ایشان در برقراری ارتباط است.

تحلیل زبان‌شناختی رویکرد رضوی

از منظر زبان‌شناسی، رویکرد امام رضا (ع) با نظریه نسبیّت زبان هم‌راستا است؛ زبانی

که معنا را شکل می‌دهد و درک مخاطب را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ایشان به جای ترجمه تحت‌اللفظی، معادل‌های فرهنگی را به کار می‌بردند تا تأثیر مشابهی بر مخاطب بگذارند و زبان را به عنوان پلی ارتباطی می‌دیدند (رک: عیون اخبار الرضا، مناظرات امام).

درس‌هایی برای جهان امروز

سیره چندزبانه امام رضا (ع) الگویی کارآمد برای زیست معاصر ارائه می‌دهد. نخست، بومی‌سازی مفاهیم دینی بدون تحریف اصول، راهی برای ارتباط مؤثر با جوامع محلی است. دوم، احترام به تنوع زبانی و فرهنگی، زمینه‌ساز گفت‌وگوی تمدن‌ها و کاهش تعصبات می‌شود. سوم، این رویکرد نشان می‌دهد که اسلام با تکثر فرهنگی سازگار است و می‌تواند افراطی‌گری را مهار کند.

در جهانی که تنوع فرهنگی و زبانی بیش از پیش آشکار شده، سیره رضوی یادآور این حقیقت است که پیام‌های والای انسانی و دینی، زمانی فراگیر می‌شوند که در قالبی متناسب با زیست‌بوم مخاطبان عرضه شوند. این الگو نه تنها در گذشته، بلکه در روزگار ما نیز راهگشاست.





زبان دل، آئین مهر

سیره ارتباطی امام رضا (ع): الگویی برای ارتباطات مؤثر

در مکتب اسلام، الگوهای رفتاری متعددی برای تعاملات اجتماعی ارائه شده که پیروی از آن‌ها به سلامت ظاهری و باطنی جامعه کمک می‌کند. یکی از برجسته‌ترین این الگوها، سیره امام رضا (ع) است که به دلیل حضور فعال در عرصه‌های مختلف، نمونه‌های درخشانی از مهارت‌های ارتباطی ایشان به یادگار مانده است.

امام رضا (ع) که به «امام رئوف» و «امام مهربانی‌ها» شهرت دارند، در دوران کوتاه ولایتعهدی خود (حدود سه سال)، شبکه‌ای گسترده از ارتباطات را بر پایه فرهنگ امامت و ولایت بنیان نهادند. این سیره، نه تنها برای زمان خود، بلکه برای همه دوره‌ها، به ویژه برای مدیران و مبلغان امروزی، الگویی عملی و الهام‌بخش است.

مهرورزی و همدلی: پایه‌های ارتباطی امام رضا (ع)

یکی از ویژگی‌های بارز امام رضا (ع)، مهربانی و همدلی با همگان، حتی غیرمسلمانان، بردگان و افراد فرودست بود. روایات متعدد از برخورد رؤفانه ایشان حکایت دارد. برای مثال، ابراهیم بن عباس نقل می‌کند: «هرگز ندیدم حضرت رضا (ع) کسی را با کلام خود بیازارد یا حاجت کسی را که توان برآوردنش داشت، رد کند» (بحارالانوار ج ۴۹، ص ۹۱). این رفتار نشان‌دهنده عمق همدلی و توجه ایشان به نیازهای عاطفی و مادی مردم است. امام (ع) همچنین فرمودند: «دوستی با مردم نصف عقل است» (بحارالانوار ج ۷۸، ص ۳۳۵) که بیانگر اهمیت روابط انسانی در نگاه ایشان است. عیادت از بیماران و شاد کردن مؤمنان نیز از دیگر جلوه‌های این مهرورزی بود که آسایش معنوی را برای افراد به ارمغان می‌آورد.

هم‌زبانی و تسلط بر زبان مخاطب

امام رضا (ع) در برقراری ارتباط، به زبان و نیازهای مخاطبان خود توجه ویژه‌ای داشتند. ایشان معتقد بودند که حجت خدا باید زبان مردم را بشناسد و با آن سخن بگوید (عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲). این مهارت در مناظرات ایشان با علمای ادیان مختلف نمایان است، جایی که با تسلط بر زبان و فرهنگ مخاطبان، پیام خود را به شکلی قابل فهم منتقل می‌کردند. به گفته‌ی راویان، ایشان فصیح‌ترین و داناترین فرد به هر زبان و لغت بودند (قاموس الرجال، ج ۷، ص ۵۸۵). این ویژگی، مدیران و مبلغان را به یادگیری نیازها و زبان مخاطبان خود تشویق می‌کند.

نفوذ با علم و توجه به زمینه‌های ارتباطی

امام رضا (ع) با تکیه بر علم و دانش، بردل‌ها نفوذ می‌کردند. در مناظرات، ایشان از مبانی اعتقادی خود مخاطبان استفاده کرده و با پرسش و تأیید گرفتن، بر آن‌ها تأثیر می‌گذاشتند (الخراج والجرائح، ج ۱، ص ۳۴۴). مأمون عباسی نیز از این نفوذ هراس

داشت و تلاش می‌کرد ارتباط ایشان با مردم را محدود کند (عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۵۳). همچنین، توجه به زمان و مکان در سیره ایشان مشهود است؛ در دورانی که شیعیان با فقر اقتصادی و اعتقادی روبه‌رو بودند، امام (ع) با حمایت از کشاورزی و تربیت شاگردان برجسته، این مشکلات را کاهش دادند (زندگی سیاسی امام رضا، ص ۱۳۹).

سادگی و تحریک عواطف

با وجود جایگاه والا، امام رضا (ع) از تشریفات پرهیز داشتند و مردم به راحتی با ایشان ارتباط برقرار می‌کردند (بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۹۰). یکی از نمونه‌های برجسته، قرائت حدیث سلسله‌الذهب در نیشابور است که عواطف حقیقت‌جویان را برانگیخت و جایگاه امامت را تبیین کرد (حدیث سلسله‌الذهب، ص ۲۶۶). این مهارت نشان می‌دهد که تحریک احساسات مثبت، ابزار قدرتمندی در ارتباطات است.

هدایت، هدف اصلی ارتباطات

برخلاف نظریه‌های غربی که ارتباطات را صرفاً برای رفع نیازهای اجتماعی می‌دانند، هدف امام رضا (ع) از تعاملات، هدایت مردم بود. ایشان با استفاده از روش‌های متنوع و متناسب با شرایط، الگویی بی‌نظیر ارائه کردند که می‌تواند راهگشای همه کسانی باشد که به دنبال ارتباطی مؤثر و معنادار هستند.

(منبع: برگرفته از مقاله ارتباطات انسانی در فرهنگ رضوی، نویسندگان: سید امیرحسین علم‌الهدی، علی شریفی)



طاق و عیاق



از وقتی به یادم می‌آید، عیاق کامل طواف این حرم بوده و هستم.
یاد آن روزها همچون دردانه حالی با من است.
هر صبح، هنوز آفتاب طلوع نکرده، پیاده می‌آمدم تا به حرمت برسم.
از همان وقت و حال تا به امروز، این حرم در دل من خانه کرده است.
این شوقی که مرا به تومی رساند تا از مهر رضایی ات، حصه‌ای برای خود بردارم.
می‌خواهم بدانی بودن در این حال و هوا، چه حال خوشی بر من می‌بخشد.
من در جغرافیای هوای این حرم نفس کشیدم، قد کشیدم و به بار نشستم.
هنوز که هنوز است، دل تنگ دم صبح‌های این صحن و سرا هستم؛ دل تنگ همان
صبح‌های طاقم، طاق و عیاق.
وقتی به حرم می‌رسم، هوا را هم جارو کرده‌اند، از بس پاکیزه و نواست. این بهشت
خانه رضا، چقدر مصفاست.
مهر تو در من جاری و باقی است. کبوتر جلد خانه تو شدن، فرصت سبزشدن و
سبز ماندن می‌دهد.
خواستم بگویم، سال‌هاست نگاهم را به نگاهت گره زده‌ام.





عزیزم و شیخ کبر
فرمودند که امام
ایمانی از ایشان جلی
زمان نیست و امام
دعوت
اللَّهُمَّ عَزِّزْهُ
اللَّهُمَّ عَزِّزْهُ
اللَّهُمَّ عَزِّزْهُ





مرثیه

چو شد عازم ری، شه خراسان
به خواهر بگفتا به آه و آفغان
که ای خواهر! آه و ناله سَرکن
ز بهر رضا (ع) هر دو دیده، ترکن
خدا چه سازم ز درد هجران
امان ز درد غم غریبان
دگر، جان خواهر، مرا نینی
همین دم به مرگ رضا (ع) نشینی
آیا خواهرم، به غم یاورم
تویی مونسَم، ز غم فکارم
خواهر زار من، بی کس و یار من
غم خور و زار من، ز غم فکارم
سوختی ای فلک، قلب زهرا (س) را
خون جگر کردی، شاه بطحا را
ای مسلمانان از ره احسان
دیده گریان بر رضا (ع) زاری نمایند
بین ای فلک، جور ما چرا را
ز مأمون دون، شوم بی حیا را
نموده شهید، شاه دین، رضا (ع) را
خدا چه سازم ز درد هجران
امان ز درد غم غریبان



تهران، دماوند، اجرا: محمد صادق کیاماری،
عباس اسد حیدری، شبیه خوانی آوار ابوعطا (گوشه های درآمد و حجاز)





مقاومت اسلامی و فرهنگ مقاومت در سیره امام رضا (ع)

مقاومت اسلامی یکی از ارکان اصلی فرهنگ شیعی و تعالیم اسلامی است که در طول تاریخ به عنوان سپری در برابر ظلم، استکبار و تحریف دین عمل کرده است. این مفهوم در سیره ائمه معصومین (ع) جایگاه ویژه‌ای دارد و در زندگی امام رضا (ع) به شکلی برجسته نمایان است. ایشان دریکی از پیچیده‌ترین برهه‌های تاریخ اسلام، با شیوه‌ای حکیمانه و مقاومتی هوشمندانه، پیام اصیل اسلام را حفظ کردند.

مفهوم مقاومت اسلامی

مقاومت اسلامی به معنای ایستادگی در برابر ستم، دفاع از حق و پابندی به ارزش‌های الهی در مواجهه با تهدیدها و انحرافات است. قرآن کریم در آیه‌ای مانند «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ سستی مکنید و غمگین نشوید، که شما [از دیگران] برترید، [البته] اگر باایمان باشید» (آل عمران: ۱۳۹) بر این اصل تأکید دارد و آن را نه تنها یک تکلیف، بلکه نشانه‌ای از ایمان و استواری مؤمنان می‌داند. مقاومت در این نگاه، راهی برای حفظ کرامت انسانی و دفاع از عدالت است.

سیره امام رضا (ع) در مقاومت اسلامی

امام رضا (ع) در دورانی زیستند که عباسیان، به ویژه مأمون، با سوءاستفاده از دین، در صدد تحریف اسلام و تثبیت قدرت خود بودند. ایشان با روش‌هایی هوشمندانه در برابر این تهدیدها ایستادند و الگویی ماندگار از مقاومت ارائه کردند.

۱. مقاومت علمی

یکی از بارزترین جلوه‌های مقاومت امام رضا (ع)، مبارزه علمی با انحرافات فکری بود. ایشان در مناظرات با علمای ادیان و مذاهب مختلف، باتکیه بر دانش بی‌کران خود، حقیقت اسلام را آشکار کردند. مأمون که قصد داشت از این مناظرات برای

مشروعیت بخشی به حکومتش بهره ببرد، با برتری علمی امام (ع) ناکام ماند و این مقاومت، قدرت معنوی اهل بیت (ع) را به رخ کشید.

۲. مقاومت در برابر ولایتعهدی تحمیلی

مأمون با تحمیل ولایتعهدی به امام رضا (ع)، سعی در مهارایشان داشت؛ اما امام (ع) با پذیرش ظاهری این منصب و افشای ماهیت ظالمانه عباسیان در هر فرصت، این نقشه را خنثی کردند. تأکید مکرر ایشان بر اجباری بودن این جایگاه، نوعی مقاومت سیاسی بود که مشروعیت حکومت را زیر سؤال برد.

۳. مقاومت فرهنگی و هویت شیعی

دردوره‌ای که عباسیان در صدد سلطه بر فرهنگ اسلامی بودند، امام رضا (ع) با ترویج معارف اهل بیت (ع)، احادیث ناب و ارزش‌های اخلاقی، هویت شیعی را تقویت کردند. این تلاش، فرهنگ مقاومت را در میان مردم زنده نگه داشت و مانع از تحریف دین شد.

۴. مقاومت اجتماعی و حمایت از مردم

امام رضا (ع) با حمایت از محرومان و ستمدیدگان، به مبارزه با استبداد پرداختند. کمک به نیازمندان و ارتباط نزدیک با مردم، نه تنها عملی انسانی، بلکه حرکتی مقاومتی در برابر ظلم حاکمان بود که محبوبیت ایشان را نزد توده‌ها افزایش داد و نگرانی عباسیان را برانگیخت.

ویژگی‌های فرهنگ مقاومت در نگاه امام رضا (ع)

فرهنگ مقاومت نزد امام رضا (ع) تنها به سیاست محدود نبود، بلکه تمامی شئون زندگی را دربرمی‌گرفت. برخی از اصول این فرهنگ عبارت‌اند از: بصیرت و آگاهی: شناخت دقیق دشمن و شرایط زمان، پایهٔ مقاومت است. ایمان و توکل: استقامت بدون تکیه بر خدا و امید به یاری او ممکن نیست. وحدت اسلامی: تأکید بر همبستگی میان مسلمانان، نیرویی در برابر دشمنان بود. مبارزه مسالمت‌آمیز: روشنگری، تقویت هویت دینی و حمایت از مردم، از شیوه‌های مقاومتی ایشان بود.

امام رضا (ع) الگویی بی‌نظیر از مقاومت اسلامی‌اند که در یکی از دشوارترین مقاطع تاریخ، با تحریف دین، ظلم و استبداد مقابله کردند. سیرهٔ ایشان نشان‌می‌دهد که مقاومت تنها به میدان نبرد خلاصه نمی‌شود، بلکه در عرصه‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نیز معنا می‌یابد. جوامع اسلامی امروز می‌توانند با الهام از این الگو، فرهنگ مقاومت را تقویت کرده و در برابر چالش‌های معاصر ایستادگی کنند.





ضریح مقاومت

اگر حرم شما نبود اگر ما اینجا نبودیم؛ اگر آن پسری که روی دوش پدرش به امید ستاره چینی، دست به سوی ریشه‌های چراغانی حرم شما بلند کرده یکی از آن هزاران کودک مجروح غزه بود. اگر آن دختری که با تمنای آب به مادرش سقاخانه را نشان می‌دهد یکی از بچه‌های بیمار یمن تحریم شده بود. اگر فراش‌های حرمتان یکی از صدها رزمنده حزب الله و در لیست ترور بودند؛ اگر آن خادم پیرسالی که کنج رواق، به عصا تکیه داده و زیارت‌نامه زمزمه می‌کند یکی از علویان سوریه بود و خونش مباح؛ اگر آن دختری که به شکرانه فارغ التحصیلی، تسبیح می‌گرداند یکی از دختران مغموم ممنوع التحصیل کوچه پس کوچه‌های افغانستان بود؛ اگر من که به تماشای تکاپوی شاد

زائرهای شما ایستاده‌ام یکی از شیعیان نیجریه بودم که بردگی را برابم بهتری دانستند از بندگی؛ اگر ما... ما تصورش را هم تاب نمی‌آوریم. تاب نمی‌آوریم که هر شب چشم انتظار موشک‌ها با ترس بخواییم و صبح یکی از آن صدها پیکری باشیم که از زیر آوار، بیرون می‌کشند مان. بی‌تاب می‌شویم اگر تصور کنیم که مردهایمان را می‌برند و دست‌هایمان را می‌بندند. تصورش را هم نمی‌کنیم که ...

خوشا که اینجاییم و شما را داریم و حرم شما را. خوشا که در حرم شما ایم؛ هر چند که ما هم جنگ‌ها دیده‌ایم و زهرها از جام صلح نوشیده‌ایم؛ هر چند که ما هم قطره قطره خون داده‌ایم تا قدم به قدم پیش بیایم. هر چند که قیام ما هم به قدمت تاریخ است و همین گنبد و گلدسته‌های حرم شما گواه این ادعا است. ما هر چه چشم بکشیم ردی از گلوله‌های تویی که بیگانه حواله گنبد و گلدسته‌هایتان کرد نمی‌بینم. چرا که ما اهل ترمیمیم؛ ما بلدیم رد زخم گلوله را از گنبد و گلدسته و زندگی‌هایمان پاک کنیم. چه خانه‌ها که از نو ساخته‌ایم چه کارخانه‌ها که دوباره چرخشان را چرخانده‌ایم و چه امیدها که دوباره رویانده‌ایم. ما ایستاده‌ایم؛ هر بار مقاوم‌تر از قبل. ما ایستاده‌ایم و نشان داده‌ایم که می‌شود ایستاد. شاید دور، شاید دیر اما می‌رسد روزی که درِ یمن به یمن غیرت مردمانش خنجرها از پرشال‌ها بیرون می‌آیند. می‌رسد آن صبحی که حزب‌الله به ثمره خون نصرالله دوباره قدمی کشد؛ می‌رسد آن عصری که هر فلسطینی‌ای کلید خانه خودش را داشته‌باشد. می‌رسد آن شبی که خون یکی از آن هزاران علوی که با خاک سوریه هم پیمان شده طومار بازماندگان بنی‌امیه را بپيچد؛ می‌رسد آن سحرگاهی که عقل به جای جهل در افغانستان طلوع کند؛ می‌رسد آن وقتی که در نیجریه و هر گوشه از جهان هر مسلمانی، هر دردمندی در امان اسلام باشد. سلام بر آن روزی که آزادی ثمره انقلاب است و جمهوری پاداش قیام. سلام بر آن روزی که دیر نیست؛ که فتح، قریب است؛ که قائم آل محمد (ص) به کعبه تکیه می‌کند که همه ترسیدگان عالم صدای قیام‌کننده را می‌شنوند؛ می‌شنوند که می‌گوید «انا المهدی».

خادم الرضا حقیقی

گزیده‌ای از گفت‌وگو با تولیت آستان قدس پیرامون شهید سید حسن نصرالله

شهید سید حسن نصرالله دارای روحیه مقاومت و ایستادگی بود و بدون مبالغه از مصادیق آیه شریفه «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ» و امر الهی است. او ۳۰ سال در راه مبارزه و جهاد با مستکبرین، اشغالگران، ستمگران و جنایتکاران - که همه این‌ها در صهیونیسم خلاصه می‌شود - «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ» بود و مبارزه و جهاد کرد، اما ناامید نشد. او در جایی تعریف می‌کرد که بعضاً چند ماه می‌گذرد و آفتاب را می‌بینم، اما کمترین یأس، ناامیدی و خستگی در ایشان مشاهده نمی‌شد و همواره شادابی و نشاط دوران جوانی را داشت که نشان‌دهنده ایمان و باور به راه مقدسی است که انتخاب کرده بود.

مسئله توسل به دامن معصومین (ع) نیز از دیگر ویژگی‌های این شهید بود. او همواره رمز توفیقاتش را در کنار رشادت‌ها و شجاعت‌ها و مجاهدت‌ها، عنایت ائمه (ع) می‌دانست. پس از جنگ ۳۳ روزه بنده توفیق ملاقات ایشان را داشتم. از این شهید سؤال شد در خصوص جنگ ۳۳ روزه روایت‌هایی از عنایات ائمه معصومین (ع) شنیده‌ایم و حکایت‌هایی نقل شده است که مایل هستیم از زبان شما بشنویم و سید حسن نصرالله پیروزی در این جنگ را مرهون عنایت حضرت زهرا (س) ذکر کرد و گفت حضرت دست ما را گرفتند و پیروزی از آن ما شد.

او به عنایات ائمه معصومین (ع) باورمند بود. بنده در این چند سالی که توفیق خادمی و نوکری این دستگاه را پیدا کردم دو بار در مشهد خدمت ایشان رسیدم. نخستین بار

همراه با شهید قاسم سلیمانی و بار دوم که همراه با سردار قآنی بود. در یکی از این سفرها دوستان سجاده‌ای تهیه کرده بودند که به ایشان اهدا شود؛ اما بنده پیشنهاد کردم روپوش مضجع شریف حضرت علی بن موسی الرضا (ع) را به ایشان هدیه دهیم. وقتی این هدیه به ایشان اهدا شد و آرزو کردیم این روپوش متبرک مایه قوت و برکت جریان مقاومت و حزب الله شود، ایشان و شهید سلیمانی روپوش را با عشق، علاقه و شغفی از بنده گرفتند و سروصورت خودشان را با آن متبرک کردند و گفتند این بهترین هدایایی است که در عمرم دریافت کردم و بسیار خوشحال شدند. دو سال پیش نیز در سفری که ایشان به مشهد داشتند از ما درخواست حکم خادمی کردند بنده گفتم خادم حقیقی شما هستید که از مکتب و آرمان‌های اهل بیت (ع) صیانت می‌کنید و مجاهدت در این راه خود خدمتی عظیم است، اما شهید سید حسن نصرالله گفتند مایل هستم نامم در زمره خادمان حضرت امام رضا (ع) باشد و حکم خادمی به ایشان اعطا شد و این نشان دهنده عشق و علاقه و ایمان به اهل بیت عصمت و طهارت (ع) بود وقتی ایشان به زیارت حضرت امام رضا (ع) نائل می‌شد با توجه به اینکه اقامت کوتاهی داشت؛ اما روحیه می‌گرفت و زنده می‌شد. این شهید به آقا عشق می‌ورزید و رابطه‌اش مرید و مرادی بود، آقا را قلباً دوست داشت و آقا هم ایشان را دوست داشتند. یک روحانی فاضل، مخلص، مجاهد، بی‌ادعا، جان‌برکف و مدیر که هزاران نیرو تربیت کرده بود و صدها نفر را همچون خودش تربیت کرده بود. آقا هم از دیدن ایشان لذت می‌برد و رابطه عاشق و معشوقی بود و جدای از مسئله ولایت و ولی‌امر بودن، هر دو رابطه عاشق و معشوق داشتند.

۱۲۰۴۲۴
۱۴۰۳/۴/۱۲



بسم الله الرحمن الرحيم

قال الرضا (عليه السلام): احرصوا على قضاء حاج المؤمن وادخال السرور عليه...
حریصانه دنبال بر آوردن حاجات مؤمنین و شاد کردن آنها باشید (معه الاوار، ج ۱، ص ۷۸، ۴۴۷).

حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای سید حسن نصرالله

با عنایت به ارج و قد است خدمت به آستان ملکوتی امام همام ابو الحسن علی بن موسی الرضا (علیه آلاف التحية والثناء)
به موجب این حکم به عنوان خادم افتخاری منصوب و معتمد می شود.

امید است با اتکال به عنایات ذات باری تعالی سبب طین و اهتمام وافر خود را به خدمت صمیمانه و خالصانه بارگاه ملکوتی امام همام

ابو الحسن علی بن موسی الرضا

علیه السلام

معظوف دارید و ضمن رعایت دقیق ضوابط و دستور العمل، پروژه رهنمودهای امام راضی و مشور ابلاغی از سوی
رئیس معظم انقلاب اسلامی، توقیفات بیش از پیش را در ادای تکالیف الهی تحصیل و از فیوضات منوی این خدمت
برو مند شوید. بدی است، خدمت هرگز مستثنی عمل دفنی است که در اهل موعود مورد استاده قرار خواهد گرفت.

تولیت آستان قدس رضوی

احمد مروی

۱۴۰۳/۳/۲۵



امام مهربانی



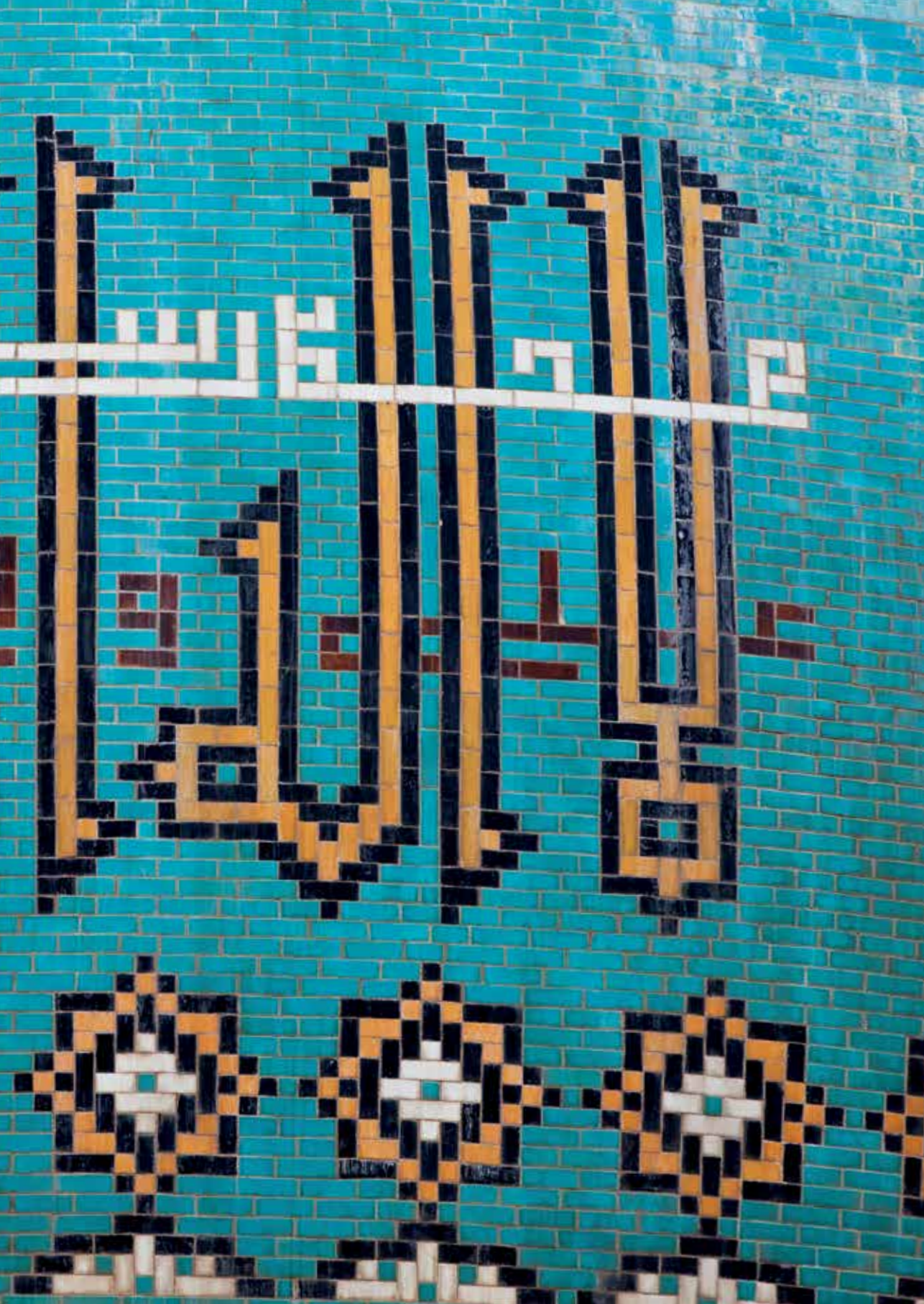
ای امام رضا (ع)، تو در کلمات نمی‌گنجی؛ عظمت و مهربانی‌ات فراتر از وصف است. در هر نسیم و باران، در هر طلوع و غروب، نام تو در دل‌ها می‌تپد. حریم تو خانه‌ای است که غم در آن جایی ندارد؛ جایی که در تاریکی شب، یاد تو همچون شعله‌ای در دل‌ها می‌درخشد و آرامش می‌آورد.

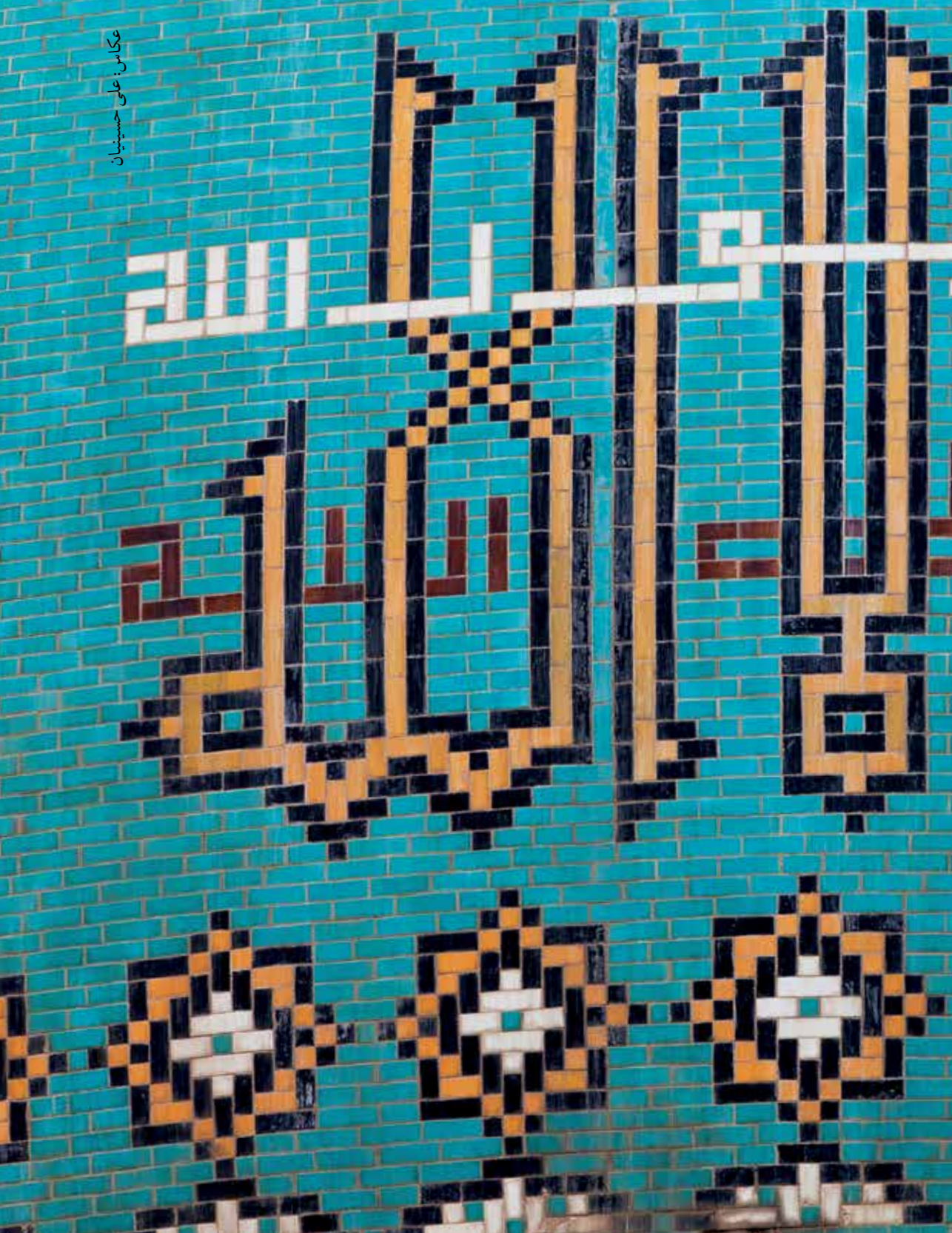
در لحظاتی که دل‌ها از خستگی دنیای فانی بی‌قرارند، ذکر نام تو دل‌ها را به سوی تو می‌کشاند. در کنار مرقدت، دنیایی از عشق و آرامش آغاز می‌شود، جایی که زمان متوقف می‌شود و هر درد و غم به گلی شکوفا در دستان تو تبدیل می‌شود. تو، ای امام مهربان، نه تنها راهی به سوی حقیقت و خودمان هستی، بلکه در نگاه به ضریحت، دل‌ها به آرامش می‌رسند.

در دل شب‌های تنهایی و در روزهای شلوغ، حضور تو مانند نسیمی نرم، دل‌ها را تسکین می‌دهد. تو همیشه با ما هستی، در گنبد طلایی‌ات و در عمق قلبمان. یاد تو در هر تلاطم زندگی همچون فرشته‌ای در کنار ماست و دستانمان را می‌گیرد. در لحظات شاد و دردناک، نام تو به دلمان آرامش می‌بخشد و در کنار حریم تو، تمام رنج‌ها محو می‌شود.

تو نه تنها در کلمات نمی‌گنجی، بلکه در دل‌های ما جای داری و در حضور تو، حقیقت‌مان را می‌یابیم.









نقشبند



مکتب خورشید

خورشید، هر بامداد، با دستانی از جنس نور، گنبدی را نوازش می‌کند که انگار قلب آسمان است. نسیم، با بوسه‌های نرمش، آستان عشق را در آغوش می‌کشد و دل‌های بی‌قرار، در شوق دیدار، با هر قدم به سوی حریمی می‌روند که آرامش در آن نفس می‌کشد. در این سفر مقدس، هنر، چون آینه‌ای زلال، اشتیاق‌های نهان را به تصویر می‌کشد و در امتداد فرهنگ زیارت، قصه‌ای عاشقانه از پیوند انسان و آسمان را زمزمه می‌کند.

هنر رضوی، رودی بی‌پایان از عشق است که از عمق تاریخ تا این لحظه، جان‌های تشنه را سیراب کرده است. این هنر، تنها در کاشی‌های فیروزه‌ای حرم یا طاق‌های

بلند صحن‌ها نیست؛ درنجوای مناجات، دررقص خطوط یک دعای دل‌انگیز، در
تپش واژه‌های شاعرانه و در سکوتی که میان ضربان قلب زائران جاری است، زندگی
می‌کند. این هنر، دست مهربان حضرت رضا (ع) است که برشانه‌های خسته ما
فرودمی‌آید؛ ما که از طوفان روزگار گریزانیم و در پناه این زیبایی آسمانی، لحظه‌ای
آرام می‌گیریم.

این هنر، از جنس ایمان است؛ از خلوص می‌تراود و با صداقت عشق درهم‌تنیده
شده است. در هر گوشه‌اش، معرفت شکوفه می‌زند و روح‌های سرگشته را به سفری
درونی فرامی‌خواند. هر نقش بر دیوارهای حرم، هر شعری که در ستایش خورشید
طوس متولد می‌شود، هر لحظه که صدای نقاره‌ها دل‌زائری را به پرواز درمی‌آورد، همه
گواهی می‌دهند بر یک حقیقت بزرگ: هنر رضوی، دریچه‌ای است از این دنیای
خاکی به سوی آسمانی‌ترین احساسات.

در این روزگار پرهیاهو که انسان در میان گردباد دغدغه‌ها گم شده و دل‌تنگ
یک لحظه سکون است، مکتب خورشید، پناهگاهی می‌شود برای جان‌های
بی‌تاب. این هنر، نه فقط یک سنت که یک راه است؛ راهی که از دل روزمرگی‌ها به
نور می‌رسد، پلی که ما را به سوی روشنایی هدایت می‌کند.

مکتب خورشید، مکتب پیوند است؛ پیوند با آستانی که هر دل عاشقی را در
آغوش می‌کشد. این هنر، چون نوری که هر صبح از مشرق می‌دمد تا ابد بر جان‌های
مشتاق خواهد تابید و در سایه‌اش، عشق و آرامش، جاودانه خواهند ماند.

جلوه قلم در بارگاه نور

جایگاه هنر خوشنویسی در حرم مطهر رضوی و مکتب هنر رضوی

دردل مشهد مقدس، جایی که هر سنگ و کاشی رازهای دیرینه‌ای از ایمان و هنر را در خود نهفته دارد، حرم مطهر امام رضا (ع) همچون گنجینه‌ای بی‌بدیل از هنر اسلامی می‌درخشد. در میان جلوه‌های گوناگون این هنر، خوشنویسی جایگاهی ویژه دارد؛ هنری که روح کلام وحی را بر صفحه تاریخ جاودانه ساخته است. از کتیبه‌های باشکوه گنبد طلای سطرهای نورانی آیات قرآن که بر کاشی‌ها و دیوارهای حرم مطهر نقش بسته‌اند، هنر خوشنویسی در حرم رضوی نه تنها زینتی بصری، بلکه واسطه‌ای برای گسترش پیام الهی است. استادان خوشنویسی در طول قرن‌ها، با قلمی از نور و ایمانی از جنس عشق، آثار بدیعی خلق کرده‌اند که نگاه هر زائری را مسحور می‌کند.

در کنار این جلوه‌های ماندگار، مکتب هنر رضوی، به عنوان یکی از جریان‌های برجسته هنر اسلامی، نقشی کلیدی در اعتلای خوشنویسی داشته است. این مکتب که در سایه توجه، جوشش و کوشش هنرمندان و هنرپژوهان شکوفاشد، ترکیبی از سنت‌های اصیل ایرانی و ذوق معنوی خاص این آستان مقدس را در خود جای داده است. نسخه‌های خطی قرآن، دیوان‌های ادبی و کتیبه‌های باشکوه، گواهی بر استمرار و عظمت این مکتب‌اند.

امروزه نیز، هنر خوشنویسی در حرم مطهر رضوی زنده است و استادان این فن، با بهره‌گیری از آموزه‌های پیشینیان، آثاری نو خلق می‌کنند که پلی میان گذشته و آینده‌اند. این هنر مقدس، همچنان با عشق زائران درهم تنیده شده و رازهای معرفت را از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کند.

حرم رضوی، نه فقط میعادگاه عاشقان که مهد هنر اسلامی است؛ جایی که هر واژه، نغمه‌ای از ایمان است و هر خط، نشانی از حقیقت...



عَلَيْهِ السَّلَام

فقر و خرد کا اندامِ حمی

نقش عشق

جایگاه هنر نقاشی، تصویرسازی و نگارگری در نشر فرهنگ رضوی و سیره امام رضا(ع)

رنگ‌ها... خطوط... هر نقش، پنجره‌ای رو به حقیقت و هر تصویر، قصه‌ای از ایمان. هنر، همواره ابزاری برای روایت مفاهیم الهی و معنوی بوده است و در میان هنرهای بصری، نقاشی، تصویرسازی و نگارگری، جلوه‌ای بی‌بدیل از عشق و معرفت را ترسیم کرده‌اند. از سده‌های گذشته تا امروز، حرم مطهر رضوی نه تنها میعادگاه عاشقان، بلکه الهام‌بخش هنرمندانی بوده است که با قلم و رنگ، شکوه این بارگاه نورانی را ماندگار کرده‌اند. در کاشی‌ها، در تذهیب قرآن‌های خطی، در نگاره‌های مذهبی و حتی در تصویرسازی معاصر، هنر نقاشی همواره روایتگر فرهنگ رضوی بوده است. هنر رضوی که در خوشنویسی، معماری، موسیقی و عکاسی تجلی یافته، در نگارگری و تصویرسازی نیز نقش ویژه‌ای دارد. هنرمندان نگارگر، با الهام از نور معرفت، روایت‌هایی از کرامت، عدالت و سیره امام رضا(ع) را در قاب‌های هنری خود جای داده‌اند. امروز این هنر به شکلی نوین، در عرصه تصویرسازی و نقاشی معاصر نیز زنده است. از نقاشی‌های دیواری حرم تا تصویرسازی کتاب‌های مذهبی، از نگارگری‌های سنتی تا پوستره‌های مدرن، همه و همه تلاش دارند تا فرهنگ رضوی را به زبان تصویر برای نسل امروز روایت کنند.

هر خط و رنگ در این آثار، نه فقط یک ترکیب بصری، بلکه پلی میان معنویت و هنر است. هر تصویر، حکایتی است از عشق به امام و هر نقاشی، پنجره‌ای است رو به حقیقتی از جنس نور.

و این روایت ادامه دارد... هنرمندان، با رنگ و قلم، فرهنگ رضوی را جاودانه می‌کنند؛ قاب به قاب، رنگ به رنگ، نوری از عشق در دل تاریخ...





انعکاس خورشید

جایگاه هنر سینما در نشر فرهنگ رضوی و سیره امام رضا (ع)

در دنیای امروز، هر تصویر، روایتی در خود نهفته دارد؛ هر قاب، دریچه‌ای به حقیقتی پنهان است. سینما، هنری است که فراتر از کلمات، احساس را به تصویر می‌کشد و مفاهیم را در عمق جان مخاطب می‌نشانند. حرم مطهر رضوی، نه تنها یک قطب معنوی که سرچشمه‌ای از الهام برای هنرهای مختلف است و سینما، به عنوان یکی از تأثیرگذارترین ابزارهای هنری عصر حاضر، می‌تواند پیوندی میان سنت و معاصرت ایجاد کند و سیره امام رضا (ع) را به زبانی نو و جهانی روایت کند. مکتب هنر رضوی که در طی قرون با جلوه‌هایی از معماری، خوشنویسی و موسیقی شکل گرفته است، امروز در قالب سینما نیز جاری است. سینمای رضوی، سینمایی است که در آن، نور معرفت و حقیقت در دل قاب‌ها می‌درخشد و قصه‌هایی از کرامت، اخلاق، عدالت و ایمان را روایت می‌کند. امروز، فیلم‌سازان، مستندسازان و نویسندگان با بهره‌گیری از ابزار سینما، تلاش می‌کنند تا فرهنگ رضوی را به مخاطبان داخلی و بین‌المللی معرفی کنند. از آثار مستند گرفته تا فیلم‌های سینمایی و سریال‌های تاریخی، همگی در این مسیر گام برداشته‌اند تا پیام امام رضا (ع) را از دریچه هنر هفتم به جهان برسانند. سینما، دیگر صرفاً ابزاری برای روایت داستان نیست؛ بلکه رسانه‌ای برای الهام‌بخشی، ترویج اندیشه‌های ناب و نشر فرهنگ اهل بیت (ع) است. امروز، با پیشرفت فناوری‌های سینمایی، این هنر می‌تواند روح فرهنگ رضوی را با کیفیتی بی‌نظیر به تصویر بکشد و تجربه‌ای ماندگار از معرفت و معنویت را برای مخاطبان رقم بزند. و این داستان ادامه دارد... سینمای رضوی، همچنان می‌نویسد، می‌سازد و نور را در قاب تصویر ماندگار می‌کند..





نقش ارادت

جایگاه هنرگرافیک و پویانمایی در نشر فرهنگ رضوی و سیره امام رضا (ع)

در جهانی که تصویر، زبان ارتباط است و هنر دیجیتال مرزهای نوینی می‌گشاید، گرافیک و پویانمایی به ابزاری قدرتمند برای انتقال پیام‌های فرهنگی و معنوی بدل شده‌اند. امروزه، فرهنگ رضوی نه تنها در متون کهن و معماری باشکوه حرم، بلکه در قالب‌های دیجیتال و پویانمایی‌های مدرن نیز جاری است. حرم مطهر رضوی، همواره الهام‌بخش هنرهای گوناگون بوده است. در گذشته، هنرمندان با قلم و رنگ، این عشق را بر بوم می‌آوردند و امروز، طراحان گرافیک و پویانماها با بهره‌گیری از فناوری، پیام‌های معنوی را در قالبی نوبه تصویر می‌کشند. هنر رضوی که قرن‌ها در خوشنویسی، نگارگری و معماری جلوه‌گر بود، اکنون در فضای دیجیتال و هنرگرافیک نیز حضوری درخشان دارد. طراحان گرافیک با استفاده از المان‌های بصری اسلامی، پوسته‌های مذهبی، تایپوگرافی‌های هنری و آثار گرافیکی مدرنی خلق می‌کنند که پیام امام رضا (ع) را به زبانی نو برای نسل امروز بازگو می‌کنند. در دنیای پویانمایی، سیره امام رضا (ع) در قالبی جذاب و تأثیرگذار برای کودکان و نوجوانان روایت می‌شود. پویانمایی‌های مذهبی، موشن گرافیک‌ها و جلوه‌های بصری، پلی میان سنت و فناوری ایجاد کرده‌اند تا معارف رضوی را فراتر از مرزهای جغرافیایی منتشر کنند. امروزه هنرمندان دیجیتال با بهره‌گیری از تکنیک‌های نوین طراحی و پویانمایی، جلوه‌هایی بدیع از فرهنگ رضوی را به جهان عرضه می‌کنند. از تابلوهای شهری تا شبکه‌های اجتماعی، از مستندهای گرافیکی تا پویانمایی‌های کوتاه، همه و همه در راستای نشر فرهنگ رضوی و سیره امام رضا (ع) گام برمی‌دارند. این هنر، دیگر تنها یک تصویر نیست؛ بلکه دریچه‌ای است به سوی معرفت، راهی برای نزدیک‌تر شدن به نور... و این داستان ادامه دارد... در هر قاب، در هر پیکسل، نوری از عشق امام رضا (ع) جاودانه می‌شود...



احسن الحال

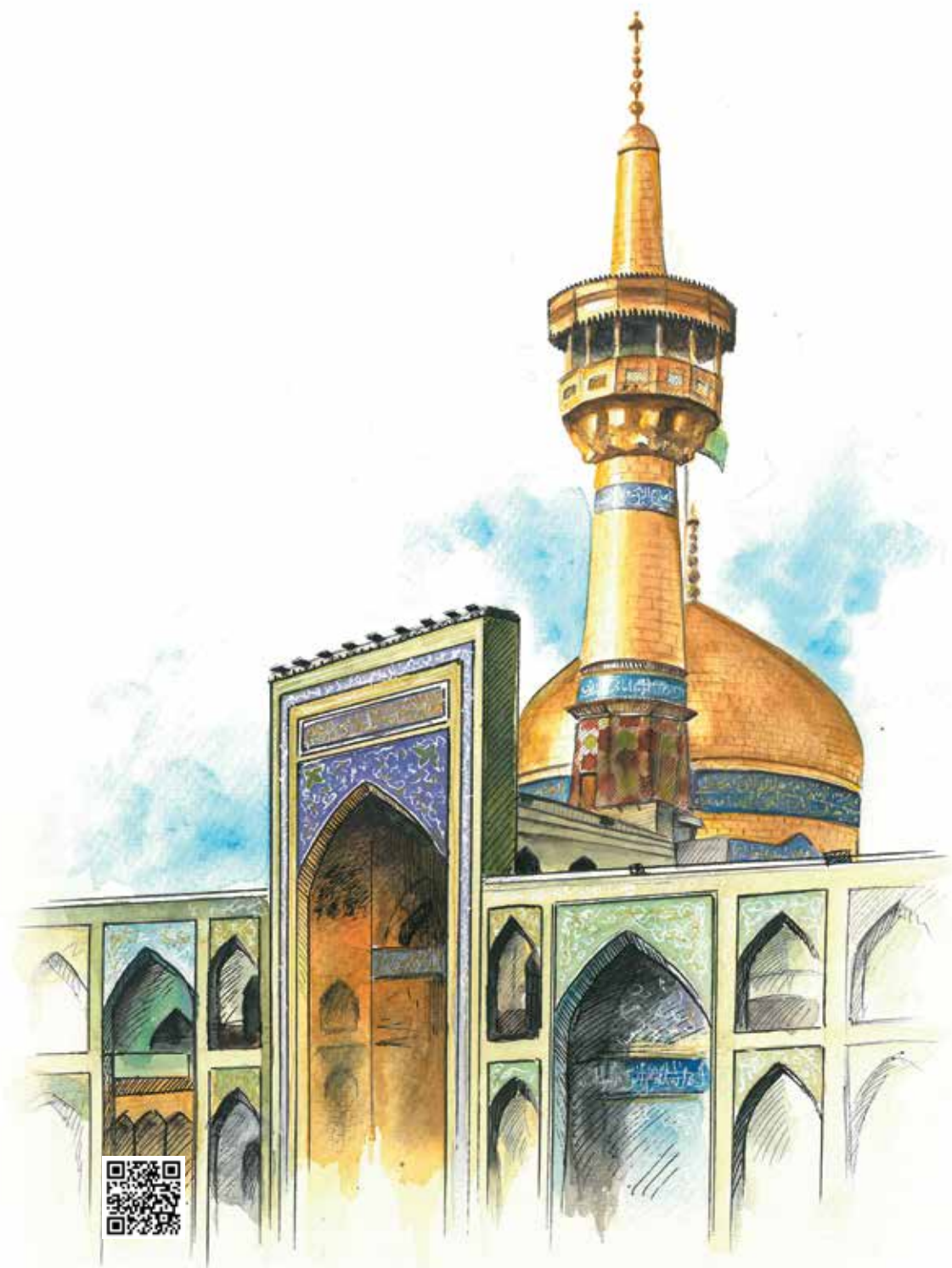


ماه رمضان را از همان دوران کودکی دوست داشتم. شاید هم بهانه این دوست داشتن، زولیا بامیه‌های سفره افطار بود و از شما چه پنهان بهانه روزه گرفتن هایم، البته روزه کامل که نه به قول خانوم بزرگ روزه کله گنجشکی.

بزرگ‌تر که شدم تازه فهمیدم سحرهای ماه رمضان و شنیدن دعای سحر از رادیوی دو موج پدرم چه لذتی دارد. هنوز پشت لبم سبز نشده بود که شب بیداری‌های سحر شده بود بهانه نشستن پای صحبت‌ها و قرآن خوانی خانوم بزرگ.

کوچک‌ترین عضو خانواده بودم؛ ولی آن قدر شور و اشتیاق داشتم که شب‌ها از ترس اینکه سحر بیدارم نکنند نمی‌خوابیدم، شب‌های اول بهانه مشق شب می‌آوردم و دفتر سیاه می‌کردم؛ ولی بعد خودم را رساندم پشت در اتاق خانوم بزرگ و کم‌کم کنار رَحَلِ قرآن و عینک ته‌استکانی‌اش.

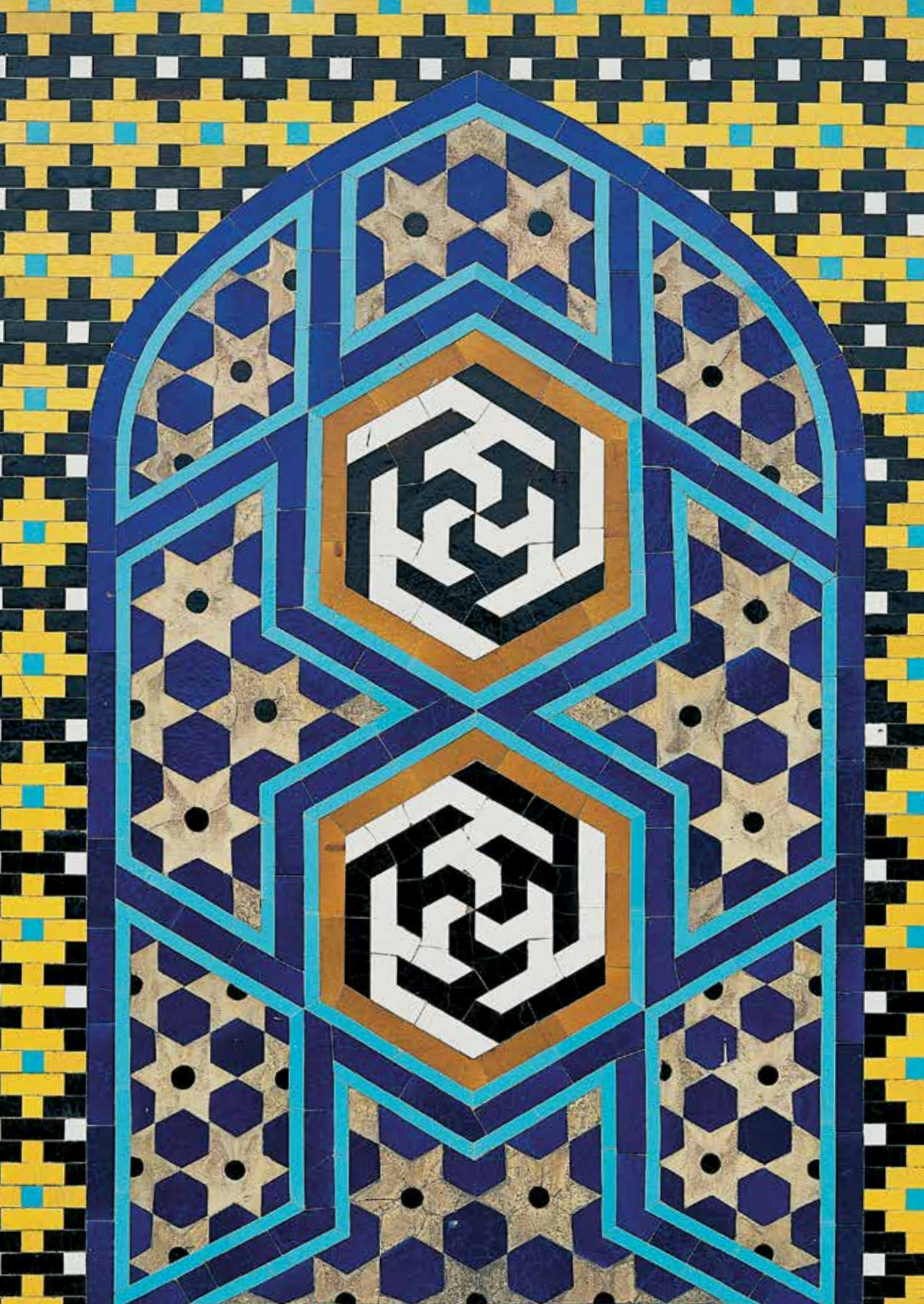
سحرهای ماه رمضان یکی پس از دیگری و سال به سال پشت سرهم آمدند و رفتند، چشم‌باز کردم بزرگ‌شده بودم، قد کشیده بودم، مرد شده بودم، تنها شده بودم، تنهای تنها. حالا دیگر از سفره سحری و دعای سحر و زولیا بامیه رسیده بودم به سفره هفت‌سین و ماهی قرمز و سیروسکه و سمنو. حالا دیگر از خانوم بزرگ، رَحَلِ قرآنش باقی مانده است کنار سفره هفت‌سین و از پدر رادیوی دو موجی که از دعای سحر و ربیای افطار با من آمده بود تا برسیم به ماه رمضان امسال، به لحظه تحویل سال تا در فضای خانه بیچند دعای: **يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ يَا مُدَبِّرَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ يَا مُحَوِّلَ الْحَوْلِ وَالْأَحْوَالِ حَوِّلْ حَالَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ.**



نغمه‌ای از نور در شب قدر



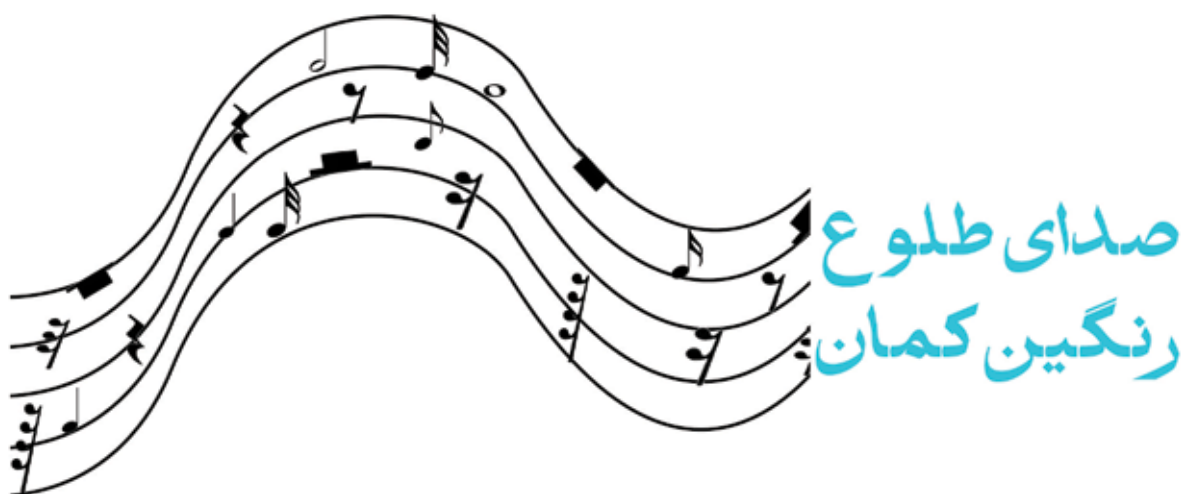
شب قدر است و من، زائری سرگشته، درکنجی از صحن حرم مطهر رضوی ایستاده‌ام. نسیم بهاری، چون دم مسیحا، رایحه گل‌های بهشتی را از رواق‌های نورانی به جانم می‌ریزد و آوای مناجات، چون جویباری از نور، روح را به پرواز درمی‌آورد. امشب، در این حریم قدسی که امام رئوف، میزبان دل‌های بی‌قرار است، به جد والایش، مولایم علی (ع)، می‌اندیشم؛ آن آیین بی‌غبار و وحی، آن تجلی‌گاه کلام جاودان الهی. در این شب سرنوشت، که آسمان بر زمین فروبارید و آیات ربّانی بر قلب پیامبر (ص) تابید، من در خیالم به مردی می‌رسم که رسول خدا او را «قرآن ناطق» خواند. علی (ع)، آن یکتای بی‌همتا که وجودش خود، تلاوتی زنده از کتاب آسمان بود. نه با واژه که با جان، سخن می‌گفت؛ شمشیر عدالتش در کوچه‌های کوفه می‌درخشید و آیه‌های حکمت، چون چشمه‌ای از لب‌هایش می‌جوشید. او، آیتی بود متحرک، که هر گامش تفسیری از «والعادیات» و هر نگاهش، شعله‌ای از «نور علی نور». در محراب، سوره‌های حمد و اخلاص از نفس‌هایش بال می‌گشودند، و در میدان رزم، آن‌گاه که حق رایاری می‌داد، آیات جهاد چون خونی در رگ‌هایش طغیان می‌کرد. امشب، در این بارگاه که عطر فرزندش، رضا (ع)، فضا را آکنده از بهشت کرده، در اندیشه‌ام که «قرآن ناطق» بودن یعنی چه؟ یعنی او، نه فقط حافظ وحی، که روح و جانش با آن یکی شده بود؛ سکوتش، راز «الم» را در خود نهان داشت و فریادش، طنین «قل هو الله احد» را به گوش افلاک می‌رساند. او که در آغوش پیامبر (ص) بالید، با قرآن، جان گرفت، با قرآن، زیست و با قرآن به ابدیت پیوست. کاش در این شب رازآلود، پرتویی از آن دریای معرفت بردلم بیارد. زیر لب نجوا می‌کنم: «یا علی، ای که کلام خدا در تو تجسم یافت، مرا به کرانه‌های روشنائی رهنمون شو». در این حرم، زیر سایبان فرزندان، گویی هنوز نوایت در گوش هستی، طنین انداز است؛ و من، در این آستان، به تو پناه می‌جویم، ای مولای عدالت، ای عشق بی‌پایان، ای قرآن ناطق.





عکاس: مسعود نوری





سکوت در موسیقی به لحظاتی گفته می‌شود که در یک قطعه، هیچ نئی نواخته نشود. علامت سکوت صرفاً نشان دهنده یک بازه زمانی مشخص است که در آن هیچ‌گونه صدایی شنیده نمی‌شود.



۴۰ ساله، دارم به یک سمفونی

سکوت طولانی و ممتد گوش می‌دم. گوش دادن! چه فعل عجیبی برای من.

از ۲ سالگی که سر خچه

گرفتم، توی دفتر نت زندگی‌م تماشا می‌کنم. سکوت ته؛ سکوت گرد، سکوت سفید، سکوت سیاه، سکوت چنگ، سکوت دولا چنگ...

من به جای گوش دادن: می‌بینم، لمس می‌کنم، بو می‌کنم، می‌چشم. من به جای شنیدن، فقط خیال می‌کنم.



خیال می‌کنم که صدای این
دنیا چه جوری می‌تونه باشه. صدای غروب
خورشید، صدای حرکت ابرهای سفید، صدای
در اومدن ماه، صدای پیداشدن رنگ‌های
رنجین کمون.

صدای سوسو زدن ستاره‌ها.

صدای باز شدن گل‌های باغچه، صدای دونه‌های
برف، صدای پلک زدن‌های رثوف...



از فوت مادرم تا سه سال پیش، تنهایی رو ترجیح می‌دادم. با اینکه
خانواده عزیزن و شرایطت رو درک می‌کنن اما دوست ندارم کسی بهم ترحم کنه.







حالم بد بود. که
یکی اومد سراغم. آقا
مهران. به زبون اشاره.
سلام عليك كرد.



باهم صحبت كرديم. معلم مركز ناشنوايان بود. تلفش رو
داد پيام بدم. گفت جمعه ها با گروه بچه هاي ناشنوا مي رن كوه.



رفتم كفش كوه و كوله و عصا و وسايل خريدم. همراه شون شدم.

اونجا با آزاده آشنا شدم. آزاده كم شنواست. يك سالش بوده كه تب كرده و داروي اشتباه بهش دادن.



دو ساله ازدواج
کردیم. باهاش که هستم
خوشحالم. قلبم دیگه
تنها نیست.



اما آزاده بچه دوست داشت و من دلم نمی‌خواست یک بچه بیارم توی این دنیا.
می‌ترسیدم از آینده‌ش، از اینکه چطور می‌شه یک بچه با پدر مادر ناشنوا بزرگ بشه.

به آزاده می‌گفتم
وقتی بچه گرسنه است، وقتی
مریضه، وقتی جاش رو خیس
کرده و گریه می‌کنه، وقتی ما
صدای گریه‌ش رو نمی‌شنویم
قراره چقدر منتظر فهمیدن ما
بمونه؟





شرطم برای ازدواج همین
بود. قرار نبود بچه دار بشیم و آزاده
به حرف من نکرد. باردار شد.

باهاش دعوام شد. گفتم
سقط کن. قبول نکرد. قهر کردیم.
رفت خونه مادرش. نرفتم دنبالش.



سپر دم به دوستانم. از بازار سیاه
براش داروی سقط گرفتن.

خانواده‌م، مادر آزاده، هیچ کدوم
نتونستن آشتی مون بدن. حرفم یکی بود.
گفتم یا سقط می‌کنی یا طلاق! آزاده دید
شوخی ندارم قبول کرد.



آزاده دارو خورد،
بهش نساخت.

رسوندمش بیمارستان.

توی بخش زنان، من رو راه ندادن.

بخش زنان



می دونستم داره گریه
می کنه. خدا رو شکر می کردم
صدای گریه‌ش رو نمی شنوم.



گفتن چیکار کرده؟ چی خورده؟
نمی دونستم چی بگم. دنیا می چرخید دور
سرم. آزاده داشت می مُرد! تقصیر من بود.





رفتم توی راهروی انتظار نشستم. تلویزیون روشن بود.
زیرنویس نوشته بود صحن آزادی حرم مطهر رضوی.

دهم خشک شده بود. به تصاویر نگاه می‌کردم و
توی دلم گفتم من شفای خودم رو هیچ وقت نخواستم. تا
آخر عمرم هم شنوایی نمی‌خوام.



من عادت دارم به این همه سکوت.
اما ترسیدم پدر بدی باشم. دلم نمی‌خواست
یکی دیگه رو بیمار وسط این بیابان بی صدا،
نمی‌خوامم اینطوری بشه. آزاده... گناه داره...
من رو تنبیه کن. اما آزاده چیزیش نشه.



بهو انگار به صدا شنیدم.



الان که فکر می‌کنم صدا نبود.
ارتعاش بود اما به نظر من صدا اومد.



اون دسته کپوترای توی تصویر
تلویزیون، هم‌زمان پریدن.

من صدای هم‌زمان پریدنشون رو شنیدم.



مطمئن نیستم شنیدن بود
یا حس کردن ارتعاش پریدن. اما
چند ثانیه خلا ذهنم پر شد از صدای
بال زدن.

و دوباره سکوت محض...



الان که دارم این هارو تعریف می‌کنم، رثوف کنارم خوابیده. آزاده طوریش نشد. نه خودش نه بچه. بچه شش ماه
بعد به دنیا اومد. دکتر گفتن شنوایش فعلا مشکلی نداره. اما باید هر چندماه بیارید آزمایش بده.



شب‌ها آزاده معمولاً
دستش رو می‌ذاره کنار پای
رادین، که وقتی تکیون خورد
بفهمه و بهش شیر بده.



حالا گاهی متوجه
گریه کردنش نمی‌شیم.



نمی‌خواستمش اما حالا
رثوف برام مثل رنگین کمون بعد
از رفتن ابرهاست.



امشب از خستگی خوابش
برده و من مراقب رثوفم.



فقط دلم می‌خواد بدونم
صدای پلک زدنش چه جوریه...



ارتعاش نفسش، ارتعاش قلبش، ارتعاش
تنش شده بهترین نت، بین سکوت ممتد زندگیم.





«بسم الله الرحمن الرحيم»

روبه شما سربلند می‌کنم تا دست‌های خالی‌ام را نشانتان بدهم. به پلک برهم زدنِ بایک لیوان آب پرمی‌شوند. آب هدیه یکی از زائرهاست. بی‌هیچ حرف و با هزار لب‌خند آب را وهر هزار لب‌خند را می‌دهد و می‌رود. شاد می‌رود؛ مثل نامه‌رسانی که نامه را به مقصد رسانده. من قصد شکایت داشتم نه زیارت. آب نشانه است که بگویند نشانی‌ام را بلدید؟ که نشان بدهید من را دیده‌اید؟ که ناگفته‌هایم را شنیده‌اید؟ که یادآوری کنید این جا زیارت‌گاه است وگاه، گاه دعا است؟

ناگفته بودم آب می‌خواهم، نه به شما، نه به غیر از شما. فقط بانگاهی پرگلايه در جست‌وجوی نشانه‌ای از حضور شما، حوالی سقاخانه ایستاده بودم. ایستاده بودم به تماشای زائرهایی که تشنه می‌آمدند و سیراب می‌رفتند. چه بود راز آب که خموده می‌آمدند و خرامان می‌رفتند؟ ایستاده بودم به تماشا و غبطه می‌خوردم به آن همه اشتیاق و مترصد اکتشاف راز آب، زل زده بودم به دست‌هایی که آب را می‌رساندند به لب‌ها. لب‌هایی که تا، تَر می‌شدند معطر می‌شدند به کوتاه‌ترین روضه دنیا؛ به زمزمه «سلام بر حسین». برحسینی که راه دل‌ها را خوب بلد است؛ همه دل‌ها را حتی دل‌های مکدر از تقدیر و مردد به مسیر را. دلِ مکدر و مُردم را خنکای آب لیوان یک بار مصرف، نرم می‌کند و منصرف می‌کند از گلايه؛ که در محضر با شکوه یار جای شکوه از بار نیست. بار بردوش رو می‌گردانم سمت ایوان طلا. بلاها را یکی یکی مرور می‌کنم و به لب نمی‌آورم چرا که لب، محفل دعا است نه مجلس ذکر بلا. دعایم کنم و برای خستگی‌هایم، قوت می‌خواهم و برای دل‌شکستگی‌هایم مرهم. از هر چه ندارم زیاد می‌خواهم و می‌خواهم سختی‌ها به آسانی مبدل بشود و غم‌ها کم. می‌خواهم ذکر هر روزه‌ام شکر باشد و هر روز زندگی‌ام شکر. دعا می‌کنم راهم هموار بشود و قلبم رضا بشود به هر آنچه من نمی‌خواهم ولی خدا برایم می‌پسندد. از یاد نمی‌برم دعا برای همسایه‌ام را برای خانواده‌ام و برای دوست و آشنا را. غریبه‌ها هم از دعا‌هایم سهم می‌برند و باز برمی‌گردم به خودم؛ به آرزوهایی که دستم بهشان نمی‌رسد اگر شما دستم را نگیرید؛ اگر دائم به یادم نیاورید که خدا هست. هست و می‌شنود و می‌بیند. می‌بیند که به حرم و حریم شما پناه آورده‌ام. پناه آورده‌ام تا در بارگاه شما شانه از بارهایم سبک‌کنم؛ تا سبک‌تر، بال بگشایم سمت خدا